

با تمام توان خود ماهیت  
ارتجاعی جنگ را افشا، و با  
مقاومت مسلحانه از منافع  
زحمتکشان دفاع کنیم

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ صفحه - ۳۰ ریال

پنجشنبه ۶ آذرماه ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۸۶

## انقلاب برای چه بود؟

از سوی دیگر به جناحهای بورژوازی - حاکم هشدار میدهد که دست از اختلافات و کشمکش های خود بردارند، و کاری نکنند که اعتما دتوده ها نسبت به حاکمیت سلب شود، توهمات آنها درهم بشکند، و اجازه ندهند که برخورد ها و کشمکش های درونی بمرحله ای برسد که ناراضی توده ها از درون این تضادها و شکافها زبانه کشد.

بقیه در صفحه ۱۳

هر زمان که ناراضی عمومی توده ها اوج میگیرد و در کشاکش افت و خیزهای مبارزه طبقاتی، مرحله تازه ای از عمق و گسترش بحران فرا میرسد، آیت الله خمینی نطقی ایراد میکند و ضمن آن از یکسویه توده ها گوشزد می کند که انتلاب برای اسلام بود و نه چیز دیگر، بنا بر این توده ها حق ندارند صحبتی از زندگی بهتر، و از استقلال، کاره مسکن و آزادی بمیان آورند.

## "تخصص و مکتب" دستاویزی برای کسب قدرت بیشتر

این روزها شاه هدیم برعکس ماههای گذشته که "حزبیون" با سود جوئی از بسیج توده ها حرف خود را به پیش می بردند و مواضع خود را تحکیم میکردند، این بار لیبرالها هستند که با استفاده از ناسا رضایتی فزاینده مردم که عمدتاً در شکل گرایشات ضد آخوندی جلوه می کنند و با سود جوئی از موقعیت جنگی به توهم توده ها در مورد ارتش و... سعی در تحکیم مواضع خود و کوبیدن "حزبیون" دارند. اینک شاه هدیم که سران حزب اعزاز

بقیه در صفحه ۱۵

## ● از نظر رهبران جمهوری اسلامی ابقاء قرارداد های تحمیلی "احتیاج" بوده است!

صفحه ۶

## رهبران جمهوری اسلامی به شکنجه انقلابیون و آزادی کودکان مزدور اعتراف می کنند!

هر چه دعواهای درونی هیئت حاکمه بیشتر میشود، زحمتکشان میهن ما از حقایق آگاه میشوند که برای آنها تکان دهنده است و بهتر چهره واقعی رهبران جمهوری اسلامی را میشناسند.

چندی پیش بنی صدر که اکنون علاوه بر سازماندهی ارتش، پلیس، ژاندارمری و دیگر ارگانهای سرکوب و بازسازی و تجهیز آنها سعی میکند توده ها را نیز با حیل های گوناگون بسوی خود جذب کند تا رقیب خود حزب جمهوری اسلامی را بی اعتبار

بقیه در صفحه ۱۹

## ● سر مقاله "دموکراسی" اسب طلالی لیبرالیسم!

رقابت لیبرالها با سران حزب جمهوری اسلامی از ابتدای استقرار حکومت جمهوری اسلامی تا کنون، مراحل مختلفی را طی نموده است. در اوایل که هنوز بحران اقتصادی و سیاسی جامعه و ناراضی توده ها، بدرجه فعلی عمیق نیافته بود و از سوی دیگر هنوز میشد از لیبرالها بعنوان قدرت رسمی مسلط در حکومت یاد کرد، آنها مخالفتشان را با عملکردهای حزب جمهوری اسلامی عمدتاً تحت عناوین نظیر "دخالتهای غیر مسئول و غیر قانونی در امور دولت" و "وجود قدرتهاي چندگانه مطرح میکردند. در آن زمان لیبرالها در نطق ها و مصاحبه های متعدد خود از ضرورت تأمین آزادی و "دموکراسی" بحدت سخن می راندند. زیرا آنچه که آنان را نگران میکرد، نه پایمال شدن روز افزون آزادیهای سیاسی و حقوق فردی و اجتماعی مردم، بلکه مقابله جوئی ها و حزب جمهوری اسلامی بود که برای حفظ و گسترش موقعیت و موضع خود در برابر لیبرالها، مانع مهمی محسوب میشد. طیف لیبرالها، که تا آغاز "مسأله گروگانها" توسط بازرگانان این لیبرال بر شناس و سرما یه دار کهنه کار و با تجربه رهبری میشدند، تلاشهای وسیعی را در دو جنبه آغاز کردن و ادامه دادن آنها از یکسو و کوشش کردن در بحران اقتصادی و سیاسی را حل نموده و بیسک دوران ثبات سیاسی و رونق اقتصادی را بر پایه احیاء سلطه امپریالیسم، تجدید سازماندهی تولید اجتماعی بنفع سرمایه داران و مملکتین و فتوداها و فریب و سرکوب کارگران و دهقانان و متلاشی کردن تشکلهای سازمانهای توده ای در ایران برقرار سازند و از سوی دیگر با زارهای

## ● نمایندگان مجلس از منافع چه کسانی دفاع می کنند؟

صفحه ۷

## در این شماره:

● هسته های سرخ کارخانه

● یک ارزیابی کوتاه از نظریات توده ها

● اتحاد مردم و دانش آموزان ماسوله

● اعلام موجودیت تشکیلات اراک

تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله  
باهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است



# "دموکراسی" اسب طلائی لیبرالیسم!

بقیه از صفحه ۱

کار بجای رسیده است که حتی قطب زاده این مرد هزار چهره که هیچگاه نمیتوان خوش خدمتی های فراوان او را به امپریالیسم آمریکا فراموش کرد، "دمکرات" از آب درآمده و مخالف سا نسورد را دیو تلویزیون و مطبوعات شده است! آری شوخی تاریخ است که سا نسورچی معروف (اکنون که از بیستهای مهم دولتی بزرگوار شده است)، با تب و تاب بی مانند ای به مخالفت با سا نسور برخاسته و از آزادی های سیاسی دم میزند!

اما واقعیت آن است که لیبرالها به همان میزان آزادخواه "و" "دمکرات" اند که سران حزب ضدا مپریالیست، لیبرالها هما نقدر برای تحقق آزادی و دمکراسی "مبارزه" میکنند که سران حزب در زمینه مبارزه ضدا مپریالیستی! با انجام می رسانند. هر دو جناح در مبارزه برای آزادی و در مبارزه ضدا مپریالیستی کوشش میکنند، تنها بآن درجه جلو بروند که منافع سرمایه داران روزمینداران ایجاب میکنند.

شعارهای رفرمیستی این دو جناح چه در زمینه دمکراسی و چه در زمینه مبارزه علیه امپریالیسم، در واقع مانند شعارهای عوام فریبانه سرمایه داران روزمینداری است که میخواهند در زندگی روزمره، در شرایط بحران سیاسی، مبارزه کارگران و دهقانان را در جهای رجوع منافع طبقاتی خود بیزیرکنترل درآورند.

لیبرالها بنا بر ویژگیهای خود، از خواسته های دمکراتیک توده ها و آزادیخواهی آنان استفاده میکنند، اما همین که سخنان زشورا های دمکراتیک کارگری و دهقانی بمیان آورده شود، وحشت زده بمخالفت برخاسته و آنرا "ایجاد اختلال در تولید" و هرج و مرج اجتماعی مینامند. دمکراسی در قاموس لیبرالها درست در نقطه مقابل مبارزه توده ها علیه ستم و استثمای سرمایه داران و زمینداران قرار دارد. هر جا که مبارزه ای واقعی برای تحقق دمکراسی جریان یابد، برای لیبرالها هرج و مرج طلبی است. هر جا که آنها قادر باشند بین نوع "هرج و مرج طلبی" را بنظم مورد دلخواه سرمایه داران و زمینداران و بسته تبدیل کنند مگرایی دیگر برای آنها بی معناست. لیبرالها همواره آماده اند که برای ایجاد چنین نظامی هزاران تن از توده های محروم و زحمتکش را بخاک و خون کشند و لحظه ای تردید در سپردن بهترین فرزندان خلق و پیگیرترین دمکراتهای انقلابی به جوخه های اعدام، بخود راه ندهند. این است معنای واقعی دمکراسی و آزادی که امروز لیبرالها با هزاران بوق و کرنا تبلیغ میکنند.

اکنون میهنمان شرایط حساسی را

بقیه در صفحه ۱۹

جمهوری اسلامی از خود ایستادگی نشان داده و حاضر به پذیرش اختناق و سانسور و بطور کلی پامال شدن آزادیهای سیاسی و حقوق اجتماعی نیستند و انمود سازند. بطوری که اکنون داد و پیچ داد محافل لیبرال در مورد "آزادی" و "دمکراسی" و "قانون" گوش فلک را کر نموده است. رئیس جمهور بنی صدر بعنوان پرچمدار لیبرالیسم، هر چند وقت یک بار میتینگها و سخنرانیهای برپا میکند و طی نطقهای خود بطور مداوم و لاینقطع از عدم وجود آزادیهای سیاسی و حتی در رابطه با زندانیان سیاسی از وجود شکنجه ها و زندانهای متعدد سخن میگوید و تنها راه حل برای خروج از این بست ها و بحرانهای گوناگون اجتماعی و اقتصادی را، برقراری آزادی، لغو سانسور بحث آزاد، رعایت قانون اساسی و ...

عنوان میکند، اما بسیاری از مردم از خود میپرسند که آقای بنی صدر و مجموعه لیبرالها چرا تاکنون و قبلاً از آنکسها امتیازات و قدرتی برتر خود را در دستگاه دولتی از دست ندهند، اینچنین طرفدار "سینه چاک" آزادی و دمکراسی نبوده اند؟ چرا وقتی که خود بیکه تا زمینان بودند برای مردم دل نمی سوزانند؟ چرا درست در این مقطع زمانی فریاد "آزادی خواهی" آنان به عرش اعلای رسیده است؟ آیا بنی صدر، همان کسی نیست که سر کوب خونین خلق ترکمن و به توپ بستن خانه و کاشانه زحمتکش ترکمن صحرا را در بحث آزادی تلویزیونی، از افتخارات ریاست جمهوری خویش اعلام میداشت؟ آیا او همان نیست که ریخته شدن و ترور ضدا انقلابی چهار زن فرزندان راستین و رهبران خلق ترکمن را توسط باندهای سیاه حزب جمهوری اسلامی، ماستمالی و توجیه میکرد؟ آیا در آن زمان حقوق اجتماعی مردم ترکمن صحرا و آزادیهای سیاسی در ایران بخطر نیفتاده بود؟ آیا در تحمیل جنگ و سرکوبهای خونین خلقهای زحمتکش ایران، لیبرالها نقش نداشته اند؟ آیا دست بنی صدر با بازگانه ها، و ... کمتر از رهبران حزب جمهوری اسلامی بخون دانشجویان مبارز و انقلابی و بهترین و شایسته ترین فرزندان خلق آغشته گشته است؟ چرا او در مقابل دستگیری قطب زاده بزرگترین عکس العملها را نشان داده اما در برابر اعدام شدن هزاران تن از بهترین فرزندان خلق تبسم میکند؟

چنین است چهره واقعی لیبرالها که اینک بنا بر مقتضیات زمان و برای کسب کرسی های بیشتر در مجلس و اختیاص پستهای بالای دولتی، بخود، آنرا زیر انبوهی زلفاطی های عوام فریبانه و لیبرالی می پوشانند؟ خنده آور است،

لازم برای تحقق این هدف را از طریق تجدید سازمان و تمرکز مجدد دستگاه دولت و بویژه ارگانهای سرکوب نظیر ارتش، پلیس و زندانها بنفع لیبرالها فراهم آورند. اما این نوع تلاشهای لیبرالی، عمدتاً، در هر دو زمینه شکست مواجه شد.

بالا رفتن تعداد بیکاران، رشد تورم و گرانی و ... بحران اقتصادی و بدنبال آن بحران سیاسی را در جا معه گسترش داد این وضع زمینه های عینی لازم را برای تنها جم حزب جمهوری اسلامی فراهم آورد، در نتیجه، تجدید سازمان نهی ارگانهای سرکوب و تمرکز قوای دولتی، آنطور که مدنظر لیبرالها بود صورت نگرفت.

سقوط دولت بازرگان و سپس آغاز فعالیت مجلس شورای اسلامی که در آن نمایندگان حزب و موافقین اکثریت قاطعی را در دست داشتند، بعنوان نقطه عطفی در مناسبات میان لیبرالها و حزب جمهوری، تعادل قوا را در هیئت خاکمه بنفع رهبران حزب تغییر داد. حزب جمهوری بتدریج بصورت قدرت مسلط در اکثر ارگانهای دولتی ظاهر شد. قدرت حزب به قدرتی "قانونی" تبدیل شد. بنی صدر که لیبرالها این بار در وجود او رهبری زیرک و هوشیار را برای خود یافته بودند، کوششهای زیادی را برای جلوگیری از تسلط حزب بر ارگانهای دولتی بکار برد، اما هر روز کمتر از قبیل در این زمینه موفقیت نصیب او شد و بطوری که اکنون شاهد آنیم که در هر سه قوه یعنی قوه مقننه قوه قضائیه و قوه اجرائی، حزب جمهوری اسلامی دست بالارا داشته و قدرت برتر محسوب میشود. متنا سب با رشد چنین وضعیتی، لیبرالها که سرنوشت خویش را در دستگاه دولتی مبهم دیده و یا نمی توانستند آینه روشنی را برای خود تصویر نمایند، سعی کردند از موضعی تدافعی توده ها را بسوی خود جلب نمایند آنها با آگاهی باین مطلب که افزایش قدرت حزب جمهوری اسلامی در ارگانهای دولتی بردا منته بحران اجتماعی و بسبب افزودن نیز نا رضایتی توده ها گسترش یافته و بیش از پیش از سیاستهای حزب جمهوری اسلامی رویگردان خواهند شد.

با انگشت گذاشتن و تکیه بر خواسته های توده ای، کوشیدند این بار رده های ضد انقلابی و ضد مردمی خود را تحت پوششها و شعارهای جدیدی به پیش برند. بهمین جهت متنا سب با محدود شدن کوششها و لیبرالها در ارگانهای حکومتی، شاهد آن بودیم که لیبرالها سعی کردند با اشاعه توهمات دمکراتیک در میان توده ها، بمثابه دمکراتهای انقلابی و کسانی که بشدت در مقابل جفا قات حزب

## پیشنویس تشکیل حزب طبقه کارگر

# هسته‌های سرخ کارخانه

بمطابق سبک زیربنای حزب پرولتری

این هسته‌ها در تهیه متن شعارها موضوعات تبلیغ و ترویج و اتخاذ یک شیوه صحیح در کارخانه، بنحو چشمگیری، هسته مخفی رایاری می‌دهند

ایجاد، تقویت، رادیکالیزه کردن و نفوذ در تشکلهای توده‌ای مانند شورا، سندیکا و غیره... بعنوان مبرم ترین وظیفه این هسته‌ها در شرایط کنونی است. و در همین رابطه است که این هسته‌ها می‌توانند با ایجاد بلوکی از نیروهای مترقی، اپوزیسیون قویتری ایجاد کرده و در مقابل نیروهای سازشکار و ارتجاعی باتوان بیشتری ایستادگی نمایند.

تلاش در جهت ایجاد یک نشریه علنی برای شورا یا سندیکا و هرنهاد توده‌ای دیگر کارخانه، با استفاده از تمام نیروهای موجود در کارخانه و بکارگیری این نشریه در خدمت طرح خواستها و مشکلات کارگران، بطور کلی، وظایف هسته‌های علنی صنفی را بدین شکل میتوان خلاصه کرد

۱- سعی در سازماندهی هرچه بیشتر کارگران در تشکلهای توده‌ای و بدست گرفتن رهبری و هدایت آن از درون.

۲- در خدمت رشد کمی و کیفی هسته‌های مخفی قرار گرفتن، و تسهیل وظایف این هسته‌ها در قبال کارخانه. همچنان که هسته‌های مخفی در خدمت هسته‌های علنی از طریق رادیکالیزه کردن و جهت دادن این نهادها میباشند. در پایان لازم است یادآوری شود

که تقسیم وظایف علنی و مخفی و تلفیق آنها به شکل فوق برای شرایط اختناقی یا نیمه اختناقی همچون شرایط کنونی طراحی شده است

**۵- درباره هسته‌های صنفی - علنی هسته توزیع و نشر به کارخانه**

درباره هسته‌های صنفی - علنی میتوان علاوه بر آموزش برخی مسائل درونی هسته‌های مخفی، نظیر تصفیه درخیا با آنها یا اصول گزارش نویسی و مطالعاتی، بطور کلی موارد زیر را به عنوان مبرمترین وظایف آنها در کارخانه بحساب آورد:

کمک به ارتقاء سطح مبارزاتی در کارخانه از طریق شرکت در اعتراضات کارگران و فعالیت در جهت تحقق خواستهای آنان، و سازماندهی کارگران. و از این طریق گسترش کمی و کیفی نیروهای پیشرو. شناسایی آنها بعنوان نیروی ذخیره تشکیلات مخفی و سیاسی. زیرا کارگران پیشرو غالبا " در جریان مبارزات توده‌ای شکل گرفته، تربیت شده و گسترش می‌یابند. هسته‌های صنفی - علنی در فعالیت روزمره خود این کارگران را شناسایی کرده، به کمیته کارخانه معرفی نموده و از این طریق به هسته‌های مخفی وصل میشوند.

با توسعه دادن هرچه بیشتر دامنه جنبش در کارخانه، قدرت کارفرما را تضعیف و انرژی عوام پلیسی را پراکنده کنند. به این ترتیب به امکانات استتاری و امنیتی هسته‌های مخفی و تحرک آنها به

مقدار زیادی می‌افزایند.

این هسته‌ها از طریق ارتباطات وسیعی که با توده‌ها دارند می‌توانند فعالیت مخفی را در جریان وسیع ترین خواستها و دقیق ترین نظریات توده‌ها قرار دهند.

و این بدان معنی نیست که در تمام شرایط سیاسی حاکم بر جامعه، ملزم به اجرای دکماتیک آن باشیم. با تعدیل و یا تشدید خفقان، جنبه‌های مختلف سازماندهی باز بسته، شدت و ضعف می‌یابند. مثلا "به موازات - تعدیل خفقان و برخی آزادیهای دموکراتیک، برداشتن فعالیت علنی افزوده می‌گردد. با تبدیل اعتصابات اقتصادی به سیاسی، فعالین صنفی نیز بایده کار سیاسی بپردازند. و بهمین ترتیب در شرایط غلبه انقلابی توده‌ها، هسته مخفی و علنی درهم ادغام شده و رهبری جنبش کارگران را بعهده می‌گیرند.

همچنین، در شرایط تشدید خفقان و سرکوب، از دامنه فعالیت علنی و گسترده کاسته می‌گردد. در این وضعیت برداشتن کار مخفی افزوده شده و جنبه بسته سازماندهی، گسترش میابد در این مورد حتی میتوان تا آنجا پیش رفت که فعالین صنفی در یک کارخانه مطلقا " از هویت فعالین سیاسی و مخفی بی اطلاع باشند، تا در صورت دستگیری آنها هیچگونه خطری تشکیلات مخفی را در معرض کشف و نابودی قرار ندهند، البته این در شرایطی است که دیگر فعالین صنفی نیز تحت شدیدترین شکنجه‌ها و پیگردهای پلیسی قرار - بقیه در صفحه ۴

۴ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است



## هسته‌های سرخ کارخانه ۰۰۰

بقیه از صفحه ۳

قول معروف "آب از سر گذشته اند" و با هیچ تغییر روشی نمیتوانند ذهنیت اطرافیان را تغییر دهند این رفقا باید محل کار خود را تغییر داده و به کارخانه دیگری بروند البته لازم است اضافه کنیم که اکثر رفقای شناخته شده، در ابتدا خود را به غلط، جزو دسته اخیر (دوم) و غیر قابل توجه میدانند این رفقا ضعف خود را در تغییر روش و تغییر ذهنیت اطرافیان بحساب "آب از سر گذشتگی" خود گذاشته و شیوه‌های اول و دوم را غیر عملی میدانند، حال آنکه اینطور نیست فقط با کمی ذکاوت، ظرف مدت کوتاهی (یکی دو ماه) میتوانیم آن ذهنیتی را که خود می‌خواهیم در اطرافیان ایجاد کنیم. البته لازم است اضافه نماییم که نیروهای فعال درون شوراها یا هر شکل توده‌ای دیگر که به این ترتیب زیر ضرب قرار گرفته‌اند، نه تنها نباید سنگر خود را ترک نمایند بلکه علاوه بر تغییر ذهنیت اطرافیان نسبت بخود، سعی نمایند کارگران هر چه بیشتر را بگرد خود بسیج نمایند.

### درباره هسته توزیع

علاوه بر توزیع نشریات مخفی از درون کارخانه و سازماندهی نیرو - ها نیکه بتوانند این وظیفه را بعهده گیرند ما باید بتوانیم یک هسته توزیع از بیرون، یا وظیفه‌ای شبیه به "اداره پست" ایجاد کنیم. ضرورت این مسئله از آنجا طرح می‌گردد که توزیع از درون کارخانه همواره با محدودیتهایی روبرو بوده که مانع از ادامه کاری در این زمینه میگردد. مهم ترین این محدودیتهای عبارت از

میگیرند. و خطر لورفتن تشکیلات مخفی از طریق آنان ایجاد میشود. و همینطور بالعکس، در مورد فعالین سیاسی، در آن شرایط باید طوری باشد که در صورت دستگیری، فعالین صنفی به خطر نیفتند، یعنی از هویت آنها بی اطلاع باشند.

اما در شرایط کنونی در کارخانه‌ها با مشکلاتی روبرو هستیم که گریبانگیر اکثر رفقا است. این مشکل بخاطر وضعیت خاصی که پس از قیام با آن - روبرو بوده‌ایم، ایجاد شده است. اغلب کمونیست‌ها در کارخانه‌ها شناخته شده‌اند. این رفقا که در اثر نوسانات جوسیاسی حاکم بر جامعه که دقیقاً "بز جو کارخانه‌ها تا تاثیر می‌گذاشت، بخصوص در مقاطعی که با شرایط نهم بازیاسی (مثلاً "در زمان اشغال سفارت و یا شرایط تقریباً "باز (چند ماه بعد از قیام) روبرو بودیم، با حرکت‌های نسجیده، خود را شناسانده‌اند، اکنون زیر بیشترین فشار فاشلان‌های کارخانه انجمن‌های اسلامی و کمیته‌های به اصطلاح پاکسازی، میباشند.

آنچه کم‌مسلم است، وجود این رفقا با این وضعیت در تشکیلات، نه تنها در شرایط کنونی به هیچوجه نمیتواند متضمن ادامه کاری مان گردد، بلکه در چشم انداز آتی موجود نیز بنظر نمیرسد بتوان این رفقا را در آن واحد کاری حفظ کرد. اینکه این رفقا چه باید بکنند یا در نظر گرفتن ماهیت بورژایی حاکمیت، بنظر ما موارد زیر میرسد که ارائه میشود:

۱- این رفقا که به کمونیست بودن شناخته شده‌اند، میتوانند با تغییر شیوه برخوردشان با اطرافیان، ذهنیت آنها را نسبت به خود تغییر دهند. البته لازم به گفتن نیست که این تغییر ذهنیت نباید منجر به منزوی شدن آنها گردد.

۲- راه دوم برای رفقا نیست که به

شناختی عناصر توزیع و بازرسی شدید در حین ورود به کارخانه میباشند. بنا بر این، شبکه‌های توزیع کمیته کارخانه، در دوزمینه به فعالیت می‌پردازند که یکی از درون کارخانه و دیگری از خارج آن میباشد. اما ببینیم رفقای توزیع چه وظایفی دارند؟ لنین در نامه به یک رفیق، در مورد وظایف توزیع می‌گوید:

" رساندن سریع و صحیح نشریات اعلامیه‌ها و فراخوانی‌ها و غیره، اتخاذ ترتیبی که تا این کار بدون اصطکاک انجام گیرد و شبکه کاملاً ما موران برای این منظور تربیت شود. این کار یعنی انجام بخش اعظم کار تدارکاتی برای تظاهرات آتی و برای قیام "....." باید کوشید که این دستگاه تا آن درجه از کاملیت ساخته شود که بتوان در عرض یک شب تمامی جمعیت کارگری سنت پترزبورگ را با خبر ساخت و به اصطلاح بسیج ساخت."

بوضوح پیداست که وظیفه اساسی رفقای توزیع عبارتست از "رساندن سریع" نشریات به کمک "شبکه کاملاً" از رفقا به طریقی که این کار "بدون اصطکاک" انجام گیرد. یعنی بکوشیم تا با اتخاذ روشهای مناسب، خطر دستگیری رفقا، از بین رفتن نشریات، صحیح و سالم نرسیدن آن به دست کارگران، و از این قبیل موارد را به حداقل خود برسانیم.

اما اینکه این روشهای مناسب را چگونه باید اتخاذ نمود تا تلفات را به حداقل خود رساند، در بخش تلیق کار عملی و مخفی راجع به آن صحبت شد اکنون بازمی‌گوئیم که این روشها دقیقاً "بستگی دارد به" روشهای "اعمال قهر حاکمیت بر علیه انقلابیون و توده‌ها. ولی رفقا توجه داشته باشند که بهر حال از اوج دیکتاتور ننگین شاه گرفته تا شرایط کاملاً "علنی بعد از

بقیه در صفحه ۱۶

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد

## اتحاد مردم و دانش آموزان

## ماسوله

## توطئه های انحصار طلبان را خنثی کرد

## دانش آموزان دبیرستان فاطمه امینی مانع محرومیت از تحصیل دوستان خود شدند

پس از اخراج دوازده تن از محصلین مبارز دبیرستان دخترانه فاطمه امینی دانش آموزان آگاه و مبارز این دبیرستان دست به تحمیل زدند و بعد از پنج روز موفق شدند مانع محرومیت دانش آموزان اخراجی از تحصیل بشوند.

بعد از اینکه دانش آموزان بایرناهی فرمایشی ورزش صبحگاه که از جانب دفتر مدرسه تنظیم شده بود مخالفت کرده و از انجام آن خودداری کردند، روز ۲۱ مهرماه اولیاء دبیرستان، حکم اخراج دوازده تن از دانش آموزان را صادر کردند دانش آموزان دیگر با این حرکت ضد دمکراتیک مدیرمخالفت برخاستند و جمعی تشکیل دادند، یکی از آنها گفت: "بعد از این دوازده نفر، نوبت دوازده نفر دیگر است و چه بسا که هر کدام از ما، یکی از آنها باشیم، اگر ما سرکلاس برویم یعنی تا ثبات این حرکت ارتجاعی، قبول آن یعنی توسری خوردن و دم زدن". بعد از این تجمع، صد نفر از دانش آموزان دست به تحمیل زدند و دانش آموزان اخراجی نیز پشت در مدرسه، درخیا بان می ایستادند.

در چهارمین روز تحمیل عده ای از او باش به تحریک دفتر مدرسه، پشت در آمدند و در حالیکه بدر مدرسه میکوبیدند، می گفتند: "ما میخواهیم کمونیست هارا بکشیم". در داخل، دانش آموزان شعار میدادند و در خارج از دبیرستان، پشت در نیز مردم به طرفداران محصلین و فرزندان خود جمع شده بودند و مانع حمله او باش به محصلین اخراجی میشدند از طرف دیگر مسئولان تربیتی مدرسه نیز دانش آموزان را به فحش و ناسزا و تهدید گرفته بودند. روز پنجم تعدادی

از ما در آن محصلین بمدرسه رفتند و ضمن اعتراض به اولیای مدرسه، از فرزندان خود دفاع کردند.

سرانجام پس از پنج روز مسئولان مدرسه به دانش آموزان متحصن ابلاغ کردند که اخراجی ها میتوانند اسم خود را در مدرسه دیگری بنویسند و به تحصیل ادامه بدهند.

با این ترتیب دانش آموزان با اتحاد عمل و همکاری صمیمانه خود توانستند از محروم شدن دوازده دوست و همسنگر خود از تحصیل، جلوگیری کنند.

میخواهید با زهم بکشید؟ از اینجا بروید و یکی دیگر گفت: "اثر با نوشته رئیس مدرسه آمده ای مانع تو را قبول داریم و نه آن رئیس مدرسه را". در این موقع زنان ماسوله و بازاریان هم در حمایت از محصلین بطرف مدرسه آمدند.

فردای آنروز، مدیر و معلمین وارداتی، با مشورت فرماندار رومین، مدرسه را تعطیل کردند و چند روز بعد فرماندار و بخشدار مرکزی رومین به ماسوله آمده و در یکی از مساجد فرماندار سخنرانی کردند و بمردم گفتند که اگر برای درست کردن جو ماسوله یا مساکمکاری کنید همه امکانات رفاهی را برایتان فراهم میکنیم، از قبیل شرکت تعاونی، سهمیه آزاد برای نانویان، نفت، روغن، تایید و سیگار برایتان میفرستیم. ولی اگر با ما همکاری نکنید همه امکانات را برای ماسوله قطع میکنیم و حتی جاده ای را که در دست احداث است ماسوله به خلخال است قطع میکنیم. بخشدار نیز صحبت کرد و دانش آموزان را متهم به اغلالگری در مدارس نمود و مانع وعده های فرماندار و نه اتهامات بخشدار هیچکدام نتوانست در اتحاد اهالی ماسوله خللی ایجاد کند.

دوروز بعد اولیای دانش آموزان و خود دانش آموزان در یکی از مساجد ماسوله نشستی تشکیل میدهند تا بتوانند بطریقی مدرسه ها را باز کنند و پنج نفر از اولیای دانش آموزان به نمایندگی از بقیه مردم قرار میشود که به فرمانداری رفته و مسئله مدارس را حل کنند. آنها به رومین رفته و با فرماندار ربه بحث می نشینند. فرماندار میگوید زمانی مدارس ماسوله باز می شود که تمام دانش آموزان همسراه اولیاء خود از ماسوله بطرف رومین آمده و در اینجا راهپیمایی کرده و آن حرکت را محکوم کنند. نمایندگان مردم این را نمی پذیرند و به ماسوله باز میگردند. در آنجا مردم در مسجد جمع میشوند و بعد از ساعت ها بحث تصمیم میگیرند خودشان بروند و مدرسه را باز کنند. همچنین قرار شد با هیچکس تعهد ندهند یا اگر با زهم خواستید از دانش آموزان تعهد بگیرند معلمین و مدیر هم تعهد میدهند که دیگر این ماجرا را پیش نیاورند.

بدنبال ممنوع التدریس نمودن پنج تن از معلمین ماسوله، تعدادی معلم از نصف آباد اصفهان و اراک و مشهد و صومعه سرا برای تدریس به فومنات و منجمله ماسوله آمدند. در اوایل مهرماه مدیران مدارس راهنمایی تحصیلی و دبیرستان که از جمله همان معلما ز وارداتی بودند خواستند از دانش آموزان و اولیای آنان تعهد نامه بگیرند که با مخالفت آنان روبرو شدند. بعد از مدتی تعدادی از دانش آموزان نا آگاه که در حزب جمهوری اسلامی فعالیت می کردند تعهد دادند و این بهانه ای شد که آنان بقیه دانش آموزان را تحت فشار قرار داده و تصمیم به اخراج چند دانش آموز بگیرند. در ۲۵ مهر ماه دانش آموزان راهنمایی به بهانه های مختلف از کلاس درس اخراج می کردند. فردای آنروز دانش آموزان اخراجی به کلاس می روند ولی مدیر بار دیگر ایشان را از کلاس بیرون می کند. تعداد زیادی از دانش آموزان مدرسه به پشتیبانی از دانش آموزان اخراجی از کلاس ها بیرون آمده و در حیاط مدرسه و پشت بام به تظاهرات و راهپیمایی و دادن شعارهایی از قبیل "اتحاد، اتحاد، محصل اتحاد" - "محصل بهوش باش، ارتجاع در کمین است" - "شورا های واقعی ایجاد بیدگردد" - "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" - "تعطیلی مدارس توطئه آمریکا است" - "معلمم اخراجی ابقاء باید گردد، معلم مرتجع اخراج بیدگردد" - و "جاسوسهای مدارس افشاء باید گردند" پرداختند. بعد از مدتی دانش آموزان دبیرستان به صفوف متحد دانش آموزان راهنمایی پیوستند و پشتیبانی خود را اعلام کردند. صدای دانش آموزان در محله های ماسوله پیچید بطوری که دانش آموزان دختر که صبحها بمدرسه میروند به طرف مدرسه آمده و پس از مطلع شدن از واقعه به صفوف دانش آموزان پیوستند. حدود ۲ ساعت تقریباً تمام دانش آموزان مدرسه راهنمایی و دبیرستان، غیر از تعدادی معدود به تظاهرات طرفدارانه مدرسه راهنمایی پرداختند. رئیس پاسگاه ژاندارمری به تقاضای مدیر مدرسه به آنجا آمد. دانش آموزان با دیدن این وضع به او اعتراض کردند یکی گفت: "شما چکاره هستید که آمده ای اینجا؟ هفتاد هزار نفر را که میاید کم است که"

استقلال - کار - مسکن - آزادی



## ● از نظر رهبران جمهوری اسلامی ابقاء قراردادهای تحمیلی "احتیاج" بوده است!

یکی از خواستههای برحق زحمتکشان میهن ما که همیشه پیگیرانه خواستار اجرای آن بوده اند، لغو قراردادهای اسارت با اراقتصادی، سیاسی و نظامی با امپریالیستها بوده است.

همه بیاد داریم که قبل از قیام در تمام حرکات سیاسی خلق و در تمام تظلمات و اعتراضات ما این خواست با صراحت هر چه تمام تر مطرح میشد. توده ها انتظار داشتند که با سرنگونی رژیم شاه این خواست برحق آنها تحقق یابد اما با استقرار جمهوری اسلامی نه تنها بسیاری از این قراردادهای ظالمانه و اسارت بر لغو نشد، نه تنها مفاد آنها برای توده ها افشا نشد، بلکه دولت موقت با زرگان با تکاومین قرار دادها، روابط گذشته را با امپریالیسم امریکایی ادامه داد و بر اساس همین قراردادها به انحصارات امریکایی سفارش لوازم یدکی داد، و آیت الله خمینی هم گفتند "فعلا احتیاج است اینکار را بکنید" (۲۷ مهر مجلس) آری ابقا و تمدید این قرار دادها برای جمهوری اسلامی لازم بود! زیرا که جمهوری اسلامی قبل از هر چیزی در فکر درهم کوبیدن جنبش توده ای، بویژه جنبش مقاومت خلق کرد بود که مزاحم بنده و بست های هیئت حاکمه با امپریالیسم بود. از نظر رهبران جمهوری اسلامی مهم نبود که انحصارات امریکایی قیمت لوازم یدکی را چقدر حساب کنند و هر چه قدر هم که میخواهند از صندوق تنخواه گردان ایران پول برداشت کنند، چون قرارداد تحمیلی نظامی - مالی امپریالیسم امریکایی که در زمان شاه سرسپرده و مزدور بسته شده بود، لغو نشده و برطبق همان قرارداد دهم سفارش های دولت موقت پذیرفته میشد و این قرارداد حتی پس از تصرف جاسوسخانه امریکا برخلاف تمام تبلیغات وهیاهوی ضد امپریالیستی

حاکمیت همچنان با برجاما نند و لغو نشد. خامنه ای در جلسه علنی مجلس در تاریخ یازدهم آبان گفت: "بر اساس آن قرارداد، دولت امریکا حق دارد جنسی را که میفروشد تا لیا هم قطعات یدکی ابزار جنگی هوایی و دریایی است که آن جنس را از سوی خود قیمت گذاری بکند و هر شرایط مالی که خودش میخواهد از صندوق تنخواه گردان موجود ایران در امریکا برداشت کند و فقط یک صورت حساب سر سال بدهد، این یکی از شرایطی است که تا آنجا که من از زمان حضورم در وزارت دفاع یادم مانده، تا زمان انعقاد قرارداد لغو نشده بود، اگر چنانچه این است که آقای خامنه ای که بعد از گروگانگیری هم در وزارت دفاع بودند، چقدر هیچ یک از سخنرانیهای خود در نماز جمعه به این مساله اشاره نکرده بود؟ واگر امروز هم دعواها ایشان با لانگرفتنه بوده با زهم با این مساله اشاره ای نمیکرد. بعلاوه ایشان به عدم لغو این قرارداد - اسارت با اعتراضی ندارد، بلکه اختلاف بر سر چگونگی فریب توده ها است و میگوید:

منظورم این است که عبارت راطوری تنظیم کنیم که اگر چنین قراردادهایی است بیشتر تثبیت نشود" عبارت دیگر مورد نظر آقای خامنه ای اینست که عبارت ها طوری تنظیم شود که توده ها متوجه نشوند چون لزومی ندارد. نه تنها خامنه ای بلکه یزدی، رفسنجانی، سلامتیان و تمام نمایندگان سرما به داران، دعوا ایشان محدود و بی چگونگی تنظیم عبارات قطعنامه بوده بدون آنکه هیچیک به لغو این قرارداد ظالمانه و دهها قرارداد مشابه آن اشاره ای داشته باشند. تعجبی هم ندارد چرا که

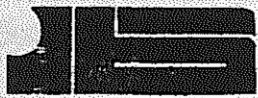
همه دست اندرکاران جمهوری اسلامی در یک مورد با هم تفاهم دارند و آن بازگشت به شرایط عادی قبل از ۲۳ آبان ۵۸ در مورد کلیه روابط مالی فیما بین ایران و امریکا است. روابطی که حتی از نظر آیت الله خمینی نیز "احتیاج است" و تنها با اهدا فکار عمومی توده ها برای آن آماده کرد. روابطی که با زرگان ها از طریق آن قرارداد های چند میلیونی با امپریالیسم امریکا بسته اند و روابطی که بخاطر نابود کردن آن دهها هزار تن از زحمتکشان میهن ما بشهادت رسیدند. آری، امروز نیز همه زعمای قهر تلاش میکنند تا کلیه این روابط ظالمانه را تثبیت کنند و هر شرایطی که جنگ زحمتکشان میهن ما را خراب کرده است، استثماری را رگران تشدید شده، دستمزدها آنها کاهش یافته، انواع مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم به توده ها تحمیل شده و ما محتاج زندگی زحمتکشان هر روز گران تر میشود، امپریالیسم امریکا از طریق این قراردادها میلیونها دلار به جیب بزنند و دولت نیز با تصویب اعتبارات مربوط به هزینه های جنگ دین خود را نسبت به امپریالیسم ادا میکند. آن وقت آقای رفسنجانی در پاسخ این مساله که اسلحه ها را از کجا میخرید؟ پاسخ میدهد که "اینها را اعلام نمیکنیم" (۹۵/۷/۲۲)

چرا اعلام نمیکنند؟ علتش روشن است از ترس توده ها جرات آنرا ندارند که بگویند محمولات نظامی از امریکا بمقصد سلطنت آباد میرسد، ویوزی های ساخت صهیونیست های اسرائیلی، از طریق واسطه های سوئیسی وارد میشود. زحمتکشان میهن ما بتدریج درمی یابند که اینها های ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی پوچ است. حکومتی که قراردادهای اسارت با روظالمانه با امپریالیسم را لغو نکرده است. خواهان بازگشت به شرایط عادی قبل از ۲۳ آبان با امپریالیسم امریکا است، سلاحهای اسرائیلی را از طریق سوئیس وارد میکند، این حاکمیت ضد امپریالیست نیست و نمیتواند پاسدا را استقلال و آزادی میهن ما باشد.

# اعلام مواضع بخشی از کارگران پیشرو تبریز

"سازمان خرد بورژوازی باید اعتماد به بورژوازی را به مردم بیاورد (لنین - وظایف پرولتاریا در انقلاب ما) واقعیتهای که در رابطه با انشعاب سازمان چریکهای فدائی خلق ایران انکارناپذیر است این است که خبر انشعاب عده ای از هواداران را با اصطلاح دلسرد کرد و هم میزان فعالیت آنها شایعاتی از این قبیل که "اقلیت تروریست است، اقلیت خیلی از امکانات ما را با خود برد ما است، اینها هم مثل اشرف دهقانی هستند، چپ رو و نارشیست هستند". و با این قبیل تبلیغات جو سموم کنند ما بر علیه رفقای اقلیت بوجود آوردند. اما این جو سموم با روشن شدن مواضع اقلیت که مبارز ما میگوید و لوژیک را علنی نمود، رفته رفته واقعیتهای رابطه کارگران و زحمتکشان شنا شدند، و امروز در عرصه مبارزه طبقاتی است که وجه تمایز اقلیت نظر ما را با مارکسیسم - لنینیسم خلاق است با راه پور تونیست های "کمیته مرکزی" که بهما استان بوسی بورژوازی رفته رفته مکتب طبقه کارگر پشت میکنند نمایان گشته است. وقتی اکثریت "کمیته مرکزی" میگوید خرد بورژوازی در حاکمیت نقش غالب را داشته و رهبر مبارزات ضد امپریالیستی است، ما می پرسیم: اگر قبول کنیم که خلق کرد، خلق ترکمن، بیکاران، صیادان، دهکداران، دانشجویان انقلابی، شوراهای واقعی کارگران، اتحادیه های دهقانی، کمونیستها، مجاهدین و... مبارز ضد امپریالیستی را تا دوام میبخشد و هیئت حاکمه آنها را سرکوب میکند پس چگونه رهبری مبارز ضد امپریالیستی را به عهده گرفتند؟! آیا "کمیته مرکزی" این سخنان لنین را قبول ندارد که گفت: "قدم ما بر آنست که نه فقط پرولتاریا را که بتوسط حزب سوسیال - دمکرات متشکل شد ما است بلکه خرد بورژوازی را نیز که قادر است با ما هم دوش گام بردارد رهبری بنائیم" (دوتاکتیک) آیا "کمیته مرکزی" نمیداند که مبارز ضد امپریالیستی در عمل است نه در حرف؟! آیا نمیداند مبارز ضد امپریالیستی فقط مبارزها امریکا نیست و باید بر علیه تمام امپریالیستها و پیگانه ها اخلیشان، سرمایه داری و بسته ما باشد؟! مارکسیسم - لنینیسم به ما می آموزد که در شرایط کنونی برای ضد امپریالیست بودن باید ضد سرمایه داری و بسته و خواهان جامعه دمکراتیک بود. وقتی اکثریت "کمیته مرکزی" میگوید ما بخاطر مبارزها امپریالیسم و بختیار با بداز هیئت حاکمه پشتیبانی کنیم این سؤال مطرح میشود که مگر می شود با عناصری چون فلاحتی، ظهیر زاده، معین فر، نویسی، بنی صدر، آیت، بهشتی، رفسنجانی و... (که وجه غالب حاکمیت را تشکیل میدهند) مبارزه نکرد و در بیرون از مرز بنیال بختیار رگشت. به نظر ما حاکمیت ضد انقلابی و عمدتاً در دست بورژوازی متوسط است و باید علیمان مبارزه نمود. و اکنون که موضع گیریهای صحیح و اصولی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در عمل ثابت شد مواظرفی هم سیاست و موضع گیریهای بنیاد پور تونیستی و سازشکارانه اکثریت "کمیته مرکزی" صریح تر و آشکار تر گردید ما دست ما بخشی از کارگران پیشرو تبریز پشتیبانی خود را از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) اعلام کرده، از کلیه کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی و متوققی می خواهیم که سیاستهای سازشکارانه و ضد کارگری اکثریت "کمیته مرکزی" را افشاء نموده و نظریات انقلابی سازمان را تبلیغ و ترویج نمایند. باید چهره سازشکارانه پور تونیستهای تازه دوران رسیدن ما را که بهما استان بوسی بورژوازی رفته و خود را مارکسیست - لنینیست های انقلابی جامی زنند، شنا ساند و خط فاصلی بین آنها و ما زکسیست - لنینیستهای انقلابی که بهما رمان طبقه کارگر و فادار هستند، کشید.

سازشکاران و اپوزیسیون افشانه و طرد نماییم  
نلهود با دامپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا و پیگاه داخلی  
بخشی از کارگران پیشرو تبریز  
تراکتور سازی، ماشین سازی، لیفنت تراک سازی، ایدم، شد منطفه، کفاش، تنب، ۵۹/۶/۲۴



# نمایندگان مجلس از منافع چه کسانی دفاع میکنند؟

احمد ملازاده نماینده گناباد در جلسه علنی روز یکشنبه چهارم آبان ماه مجلس شورای اسلامی گفت:

امروز ما با نظام کا فر صدامی ... در جنگیم که نمی توانیم بسادگی از کنار آن بگذریم و دقیقاً " بایدوزنه های سنگین جنگ روی دوش توده های مردم باشد. آنها هستند که یا اصلی انقلاب اند و آنها هستند که با انقلاب را بردوش گرفته اند."

این نماینده مجلس با رنج بردوش - زحمتکشان را امری کاملاً " طبیعی قلمداد می کند بنظر ایشان و سایر نمایندگان، توده های مردم باید هرگونه کمبود و گرانی و بیکاری را تحمل کنند، کارگران باید با ۱۲ ساعت کار همان مزد گذشته را بگیرند و جیب سرمایه داران را پر کنند چون آنان یار اصلی انقلاب اند و اگر سرمایه داران به احتکار و افزایش قیمت مواد مصرفی دست زدند با زاین مردم آنکه باید تحمل کنند و در غیر این صورت ضداً انقلاب خواهند بود. آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در این مورد می گوید: " عده ای دیگر در برابر مغازه های فروخته مواد غذایی اجتماع می کنند و صف مصنوعی ایجاد می نمایند تا مردم را از کمبود مواد غذایی بتربیانند و در همان صف اخبار دروغ و شایعات بی اساس را منتشر می سازند. " سپس می افزاید " من به تمام مردم تذکر می دهم و اعلام می کنم که این گونه اعمال کارهای ضداً انقلاب است " (جمهوری اسلامی - ۵۹/۷/۲) بنظر آقای رفسنجانی و سایر نمایندگان، آنها که خرید یکساله مواد غذایی ضروری مثل قند و شکر و چای و برنج و روغن و سایر مواد را از پیش کرده اند و اکنون احتیاجی به تهیه کوبین و یا

ایستادن در صف ندارند انقلابی اند اما زحمتکشان که بدلیل نبود امکانات مالی باید ما بحتاج خود را روزانه تهیه کنند و مجبورند هر روز در صف بمانند ضداً انقلاب محسوب می شوند و یا نماینده تبریز حسین انزایی می گوید: " مردم آماده هستند از حریم اسلام دفاع کنند ... مردم تبریز مشکلی ندارند. اگر مشکلات اقتصادی داشته باشند انشا الله بعد از جنگ و پیروزی رفع می شود و عمده مشکل مردم تبریز مشکل دین است " (انقلاب اسلامی ۵۹/۸/۱۳) این سخنان صحت نظرات ما را مبنی بر اینکه این آقایان نمایندگان توده مردم نیستند نشان میدهد. نماینده ای که بقول خودش می گوید مردم مشکلی ندارند و یا اگر مشکلات داشته باشند ... یا از مشکلات مردم اطلاعی ندارند یا نمی خواهد مشکلات مردم را بیان کند و هر دو شکل آن بی انگشتر نیست که چنین نمایندگان نمی توانند در جهت منافع مردم قدمی بردارند اما آنها در همان حال که هیچ صحبتی از مشکلات مردم نمی کنند در عین حال که صحبتی از افزایش قیمت بنزین، افزایش تمام عده قیمت برق، چسبندگی و برابری قیمت ما بحتاج عمومی و افزایش مالیات غیر مستقیم بر اجناس نمی کنند، لغو مالیات حقوق ارتشیان را با قید و فوریت تصویب می کنند و خرید قطعات یدکی لوازم نظامی را از آمریکا به بهای آزادی گروگانها تصویب می کنند و حتی از آمریکا برای عهده تحویل اسلحه و لوازم یدکی گلشنه دارند مثلاً " آقای حجازی در جلسه چهارشنبه ۵۹/۸/۲۱ مجلس می گوید " آمریکا می خواهد مساله گروگانها را بازمعلق بگذارد تا بهانه ای داشته باشد ... و می خواهد تسلیحات خود را به ما بفروشد. " بعلاوه تمامی نمایندگان به بازگشت شرایط قبل از تحریم اقتصادی آمریکا یعنی ۲۳ آبان تاکید دارند و یکی از شرایط آزادی گروگانها را، بازگشت به شرایط قبل از تحریم اعلام میدارند. این نمایندگان مردم! برآستی کدام تصویب نامه را بنفع توده های مردم گذرانده اند؟ نه تنها چنین نکرده اند بلکه از وحشت آشکار

شدن مواضعشان در مقابل مردم، و درست در شرایطی که مسئله گروگانها در مجلس مطرح شد از ترس اینکه نیروهای انقلابی واقعیات را برای مردم روشن سازند بیشتر فشا رها و محدودیت فعالیت را برای آنان خواستار شدند.

آقای تاجگردان نماینده گجساران و که کیلویه گفت: " جای بسی تاسف است در حالیکه بهترین فرزندان انقلاب خون خویش را در جبهه های جنگ تحمیلی نثار تداوم انقلاب و پاسداری از مکتب می نمایند دیده می شود که پیاره ای از احزاب غیر قانونی کفر و با زمان منافقان بصورت پخش اعلامیه و نشریه های مختلف در جهت تضعیف روحیه مردم اقدام می نمایند. من به عنوان نماینده مردم جدا از مجلس شورای اسلامی می خواهم تکلیف این احزاب را لا اقل در زمان جنگ روشن سازد تا دشمن نتواند از وجود آنان با عنوان ستون پنجم استفاده کند. (جمهوری اسلامی ۵۹/۸/۲۰)

برآستی اینهمه وحشت آنان از نیروهای انقلابی برای چیست؟ اگر آنان در جهت منافع توده های مردم قانون تصویب می کنند و برای خواستهای مردم تلاش می کنند چرا از نیروهای انقلابی هراس دارند. این وحشت آنان تنها بدلیل آگاه شدن کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار خلق از واقعیات موجود است واقعیاتی که هر روز بیشتر و بیشتر توده ها در تجربیات روزمره و بکمک نیروهای انقلابی از آنها آگاه می شوند بی جهت نبود که دولت جمهوری اسلامی از ورود نمایندگان واقعی مردم به مجلس جلوگیری کرد. دولت در جریان انتخابات با تبلیغات بسیار روانوع مختلف اعمال نفوذ سعی کرد از ورود نمایندگان سازمانهای انقلابی به مجلس جلوگیری نماید چرا که اگر آنان تسلیم تصویب نامه های فوق نمی شدند و بعلاوه ما هیت ضداً انقلابی دولت را در پیشگاه خلق افشا میکردند. توده های زحمتکش هر روز بیش از پیش با این امر آگاه می شوند که نمایندگان کنونی حافظ و مجری منافع آنان نبوده و نیستند.



**رهبران جمهوری**  
بقیه از صفحه ۱۹

انقلابی را شکار میکنند. بنا چنین شرایطی آقای ری شهری، استدلالهای کهنه شده - ای را تکرار میکنند و میگویند، بیاید در زندانها و ببینید که در آنجا شکنجه نیست. او میگوید که "ما فقط برطبق موازین اسلامی کسی را که زنا میکند و عرق میخورد شلاق میزنیم" در حالی که نه تنها شکنجه نیروهای انقلابی، که جمهوری اسلامی بدان دست میزند محکوم است بلکه هیچ کس حق ندارد حتی زنا کار و عرق خور را هم

شلاق بزنند. شکنجه عملی حیوانی و قرون وسطائی است که از نظر توده های زحمتکش میهن ما و توده های سراسر جهان محکوم است و تنها رژیمهای ضد خلقی به شکنجه متوسل میشو. لذا زسوی دیگر آقای ری شهری که خود در آزاد کردن کودتاچیان مزدور دست داشته و در مصاحبه خود بیان اعتراف میکند، دست بنی صدر را نیز رومیکنند. او در مصاحبه خود میگوید "حالا که بنی صدر در این شرایط مسأله شکنجه را مطرح کرده است ما هم میگوئیم که بنی صدر کودتاچیان را آزاد کرده است". توده های زحمتکش میهن ما طی ایمن سخنرانیها و مصاحبه ها بخوبی درک میکنند و آگاه میشوند که هر دو جناح هیئت حاکمه لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی کلا

علیه منافع خلق کام بر میدارند. اقدامات هر دو جناح ضد خلقی است. یکی ارتش را با سازمانی میکند، کودتاچیان مزدور وابسته به امپریالیسم را آزاد میکند و بزرگاریا ز میگرداند، دیگری برای سرکوب توده های مردم و نیروهای انقلابی به شکنجه متوسل میشود و زندانها را از انقلابیون پر میکند، خوب که دقت کنیم می بینیم که همه این اقدامات مکمل یکدیگرند و هدف آن سرکوب خلق است، تنها درد عوای درونی هیئت حاکمه است که پاره ای از حقایق برای توده ها افشا میشود.



**شورای واقعی، دشمن سرمایه داران، پشتیبان کارگران**

**دوستان و رفقای کارگر**

سرمایه داران برای غارت دسترنج ما از روشهای مختلف استفاده میکنند. وعده و وعید و فریبکاری و ایجاد دودستگی بین کارگران از روشهای ابتدائی آنهاست. اگر با این شیوه ها نتوانستند جلوپا رزات کارگران را بگیرند به تهدید و سرکوب دست میزنند.

همه ما مدییران رنگارنگی را که از طرف صنایع و معادن به کارخانه آمدند بخاطر داریم و ما بخوبی بار و بارهایمانند فاطمی زاده ها شناهستیم. نمایندگان معتقد و با ایمان را هم که خود فروش از آب درآمدند فراموش نکردیم. وقتی همه فریبکارها بی اثر ماندند سپاه پاسداران سرمایه دست بکار شد تا با زور سر نیزه جلو مبارزاتمان را بگیرند.

وقتی دیدند که دیگر نمیتوانند برایمان شورای فرمایشی درست کنند، وقتی دیدند که یکی از نمایندگان شورا جانب کارگران را میگیرد، وقتی دیدند ما مهد انیم فاطمی زاده خائن بخاطر خیانت چند ساله به کارگران ارج از طرف وزارت صنایع و معادن جمهوری اسلامی پست بالاتری گرفته است،

و بالاخره وقتی اتحاد و همبستگی ما را دیدند بوحشت افتادند و کمک پاسداران و دهقان را دستگیر کردند. نماینده دادستان را برایمان آوردند تا از جنگو بالا رفتن تولید حروف زد و کارگران را آمریکائی خطاب کنند و در آخر هم با بستن در کارخانه به بیکاری تهدیدمان کردند. اما نقشه آخری هم با مقاومت ما با شکست روبرو شد.

**رفقای کارگر**

سرمایه داران بوسیله مزدورانی مثل شاه محمدی و هاشمی و تاجیک و انوری و چوری و کرسی و صادقی و همراه با مدییران کارخانه و محافظیت وزارت کار و صنایع و معادن و سپاه پاسداران و دادستان انقلاب و همه با هم دست در دست هم داد و داد و سر علیه ملت توطئه میکنند تا همچنان شیوه جانمان را بکنند و هر روز پروا تر شوند. در مقابل ما کارگران فقط با اتحاد و همبستگی و با ایجاد شورابوسیله نمایندگان واقعی خود میتوانیم در مقابل همه این توطئه ها ایستادگی کنیم. نمایندگان که با قدرت تمام از منافع ما دفاع کرده و تسلیم زور و ترس شوند.

**با انتخاب نمایندگان خود شورا را**

**به سنگری علیه سرمایه داران تبدیل کنیم**

کارگران پیشرو ارج

**هر چه گسترده تر باد همکاری و اتحاد عمل نیروهای انقلابی و مترقی**





# بخشی از: اعلام موجودیت هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تشکیلات اراک

## نیروهای پیشرو و انقلابی اراک!

هم اکنون حدود چهار ماه از انشعاب سازمان به دو جناح انقلابی و اپورتونیستی میگذرد و حدود یکسال نیز از جناح بندی رسمی درون سازمانی در پلنوم یکم به دنبال رشد گرایشات متضاد بر سر مبرمترین مسائل جنبش و اساسیترین مباحثی مارکسیست-لنینیستی، سپری شده است. رشد و تکامل برق آسا و همه جانبه جنبش توده ها در دو سال و نیم اخیر که سرشار از رویدادهای متنوع و تجربیات گرانبها و آموزنده بوده در کلیت خود، پراتیک ارزنده ای است که بار دیگر صحت آموزشهای مارکس، انگلس و لنین را در باره مبارزه طبقاتی، ماهیت و خصلت طبقات مختلف، دولت و انقلاب تأیید نمود.

همچنین بر انواع تئوریهای رنگارنگ بورژوازی و هرده بورژوازی، از جمله بخشی از این تئوریها که لباس مارکسیسم را جهت مقابله با آن به عاریت گرفته اند، یعنی تئوریهای رویزیونیستی و دیدگاههای اپورتونیستی خط بطلان کشید.

از سوی دیگر روشد روز افزون مبارزات توده ها و وحدت مبارزه طبقاتی، به صف بندی هر چه مشخص تر نیروهای سیاسی جامعه و روانه شدن این نیروها به پایگاه واقعی خود انجامیده است. اگر تا دیروز، "سرمایه" در پشت تاج و تخت پنهان گشته و پایگاه واقعی نیروهای مختلف در زیر شعارهای عمومی تا حدودی در ابهام میماند، امروزه با هریا نتر شدن مبارزه طبقاتی، جبراً سیاستها نیز غریبتر از یکدیگر متمایز گشته و منافع طبقات معین را صریحتر بیان مینمایاند. تقابل و تکامل گرایشات متضاد در درون سازمان نیز از رونق فوق مجزا نبود و سرانجام همگام با وحدت مبارزه طبقاتی، خط و مرز این گرایشات مشخص تر و در نهایت به جدائی دوجریبان انجامید. انشعاب، علیرغم تاثیرات عاطفی معینی که بهمراه داشت، واقعیتی بود که همپایا زود ولی ناگزیر اتفاق میافتاد. بحث پیرامون مسائل تاکتیکی انشعاب، اکنون دردی را در میان نیست. آنچه توضیح آن لازم است، ریشه ها، اساسی انشعاب، یعنی اساسیترین اختلاف نظرهای است که مجموعاً دویینش شناختی - طبقاتی متضاد را تشکیل میدهد.

تکامل سیاستهای اپورتونیستی و تزلزلات ایدئولوژیک یک جناح از سازمان، سرانجام آنرا به زیر پای نهادن شکار مباحثی مسلم تئوریک و واژگونه جلوه دادن واقعیهات تردیدنا پذیر سیاسی - اجتماعی سوق داد و به نتایج به هم پیوسته زیر رهنموش ساخت:

انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک در جامعه سرمایه داری وابسته ما بدون رهبری طبقه کارگر به پیروزی دست می یابد و به انجام قسمتی از وظایف خود بنا نل میگردد. ولی برای اینکه این پیروزی کامل گردد و وظایف انقلاب به پایان برده شود، رهبری پرولتاریا لازم است (کاربرها ۶۰: انقلاب الجزایر، کا و ۷۰: ضمیمه و مقاله انقلاب مشروطیت).

به عبارت مشخص، قیام بهمن به پیروزی انقلاب (انتقال قدرت از یک طبقه به طبقه دیگر) منجر گشت. انقلاب به انتقال قدرت از بورژوازی وابسته به خرد شده بورژوازی انقلابی و برقراری حاکمیت مردم انجام میدو "استقلال سیاسی" حاصل شد (سرمقاله ۵۹، ضمیمه ۶۳ و بیانیه های کردستان در این فاصله).

در نتیجه، رهبری انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک کماکان در دست خرده بورژوازی انقلابی باقی ماند و نه تنها این هژمونی بر بورژوازی شریک در قدرت تحمیل گشت، بلکه پرولتاریا نیز باید "واقعیت" را بپذیرد و بر این هژمونی کردن نهد! (سرمقاله ۵۹ و ضمیمه ۶۳).

نتیجه طبیعی احکام فوق نیز دست کشیدن از مبارزات طبقاتی، نادیده گرفتن یا توجیه سیاستهای حاکمیت در مورد پایمال کردن حقوق دمکراتیک خلق - سرکوب انقلاب و بازسازی سرمایه داری وابسته. در زمینه اقتصاد و ارگانهای حکومتی، همچنین اخلال در مبارزات خلقهای تحت ستم خصوصاً خلق قهرمان کرد و ولوت کردن این مبارزات بود.

از سوی دیگر اپورتونیستها با تبلیغ عوام فریبانه در مورد "انترناسیونالیسم پرولتری" به تاکتیک کهنه حزب توده جهت بسیج نیرو و متوسل گشته و ولادت "بیش نوین" خویش را که در واقع چیزی جز گرایشات مزمسن رویزیونیستی و منگیر جنبش کمونیستی جهانی در سالیان پس از دهه ۱۹۵۰ نبوده جشن گرفتند و بدین وسیله نه لوٹ کردن "جنبش نوین کمونیستی" که در مبارزه با این گرایشات انحرافی حیات یافته بود پر داختند؛ نتیجه "مسلم این امر نیز پذیرش تزار تجاعی "راه رشد" هر چند با تغییری آراسته "بود.

بهر حال مجموعه نظریات اپورتونیستها که عملاً با رد تئوری مبارزه طبقاتی و نفی رهبری پرولتاریا و با رها کردن متدلزی مارکسیستی در مورد ارزیابی ماهیت دولت و رد تئوری دولت توأم بود، آنان را به استانبوسی بورژوازی و در یوزگی امکانات علنی به قیمت دست کشیدن از مبارزه طبقاتی و تضمین لگام زدن بر جنبش خلقها، رهنمون ساخت. مواضع تسلیم طلبانه اپورتونیستها که با "ضد امپریالیست و انقلابی" ارزیابی کردن حاکمیت در سیاست، و اشاعه و ترویج گرایشات رویزیونیستی در تئوری توأم بود، در مجموع و در انتهای یک پروسه تزلزلات و نوسانات، زمینه گرویدن آنها را برآه. خط مشی و سیاست حزب توده - هر چند با اختلاف نظرهای فرعی با آن فراهم ساخت - و سازمانی را که در مبارزه با حزب توده هستی یافته بود به جایی سوق داد که حزب توده نزدیک ترین جریان سیاسی به آن شد.

با علنی شدن مبارزه ایدئولوژیک توسط جناح انقلابی سازمان، اپورتونیستها که فشار هواداران و بحران درون تشکیلات گریبان آنها را گرفته بودند ناگزیر شدند تا برای اولین بار مواضع و تمایلات نهائی خود را بگونه نسبتاً "صریحی آشکار سازند. از سوی دیگر عقب نشینی تاکتیکی متوسل شده و به انجام رفرمهایی در مواضع سیاسی و روابط تشکیلاتی پرداختند. همچنین با تحریف نظریات جناح انقلابی سازمان و تبلیغ اینکه گویا آنها "مدافعین مشی گذشته" میباشند، و نیز با توسل به عوام فریبی و مشغول ساختن هواداران در باره "انترناسیونالیسم و احیای اصول" و بازداشتن آنان از پرداختن جدی به مسائل مبرم در مجموع سعی کردند تا هر چند برای مدتی نیروهای خود را با دامن زدن به اعتشاش فکری و سردرگمی آنها حفظ نموده و بتدریج مواضع خود را تحکیم بخشند.

ولی سچل عظیم مبارزه طبقاتی نیرومندتر از آنست که این تقلاها یا رای مقابله با آنرا داشته باشد و هماغونه که شاهد بوده ایم، علیرغم این تلاشها، نیروهای صادق و آگاه بطور روز افزونی جبهه اپورتونیستها را ترک و راه سرخ پرولتاریا را در پیش گرفته اند. ایمان داریم که رشد و تکامل بیشتر مبارزه طبقاتی و واقعیات گسترده تری را بر حقایق نیت بینش انقلابی، در مقابل آنان که صادقانه و با آرمان پیروزی زحمتکشان قدم در راه مبارزه نهاده اند، خواهد گشود و دروند فوق، شدت بیشتری خواهد یافت.

حاکمیت جدید علیرغم انتظارات توده ها از سرمایه داران در مقابل کارگران، از زمینداران در مقابل

بقیه در صفحه ۱۰

## مبارزه ایدئولوژیک علنی گامی است در جهت وحدت جنبش کمونیستی

زحمتکشان موسیوآباد از مدت‌ها قبل خانه‌های خالی سرمایه‌داران را تصرف کرده و در آن زندگی می‌کنند چندی روز پیش یکی از او با شان به تحریر یک سرمایه‌داران به آنجا رفته و اثاثیه خانه کارگری را بیرون ریخت و زنان زحمتکش را تهدید کرد که اگر خانه‌ها را خالی نکنند چنین و چنان خواهد کرد این عنصر معلوم الحال درحالیکه جاقوئی در دستش بود شروع به عریه کشی و فحش دادن کرد. یکی از کارگران اهل محل خشمگین شده و به او حمله کرد در این میان پاسداری بالباس شخصی سروکله‌اش پیدا شد. این پاسدار همراه با پاسداران دیگر (که همیشه تصادفی ولی موقع سر می‌رسند) این دو نفر را به کمیته بردند. زنان زحمتکش نیز بدنبال آنها روان شدند پاسداران می‌خواستند کارگران را به سگاه تحویل دهند و فردی را که زندگی آن کارگر را بهم ریخته و عریه کشی کرده بود آزاد

زحمتکشان موسیوآباد:

هر حرف حقی بـزنی،  
میگن فدائی هستی

کنند ما زنان زحمتکش گفتند: هر دور باید به پاسگاه برید و مانع بودن کارگران را سگاه شدند پاسداران شروع به تیراندازی هوایی کردند تا جمعیت را متفرق کنند زنی از میان جمعیت گفت "انگاریک لشکر زرهی عراق به ستادشان حمله کرده است!" پس از شنیدن صدای تیراندازی عده بیشتری از مردم جمع شدند، پاسداری از زنان خواست که به خانه‌ها بمانند

بروند یکی از زنان با سادگی تمام گفت: "ما زحمتکش هستیم پاسداران باید سرمایه‌داران را بگیرند!" او پاسدار در جواب گفت: "حسرت چریکهای فدائی را می‌زنی هر چه رهبران را بگیرند شما هم می‌گوئید!" زن دیگری در پاسخ گفت "پس اونهایی را که می‌گویند چریک فدائین همه مثل ما هستند!" زن دیگری گفت "اگر حرف حق بزنی می‌گویند فدائی‌ها شما را گول زده اند یا خودت فدائی هستی!" او زن دیگری گفت "اگر فدائی‌ها هم این حرف را می‌زنند پس همه فدائی هستیم". آری همه زحمتکشان فدائیند چون دشمن سرمایه‌داران هستند. دیگر نیست روزی که این راه همه زحمتکشان میهن دریا بند آنگاه در میهن زحمتکشان جایی برای سرمایه‌داران وغارت و چپاول و زورگوئی آنها باقی نخواهد ماند.

بخشی از: اعلام موجودیت

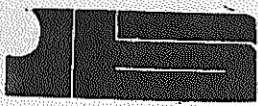
دهقانان و زمین‌سازان پوسیده سرمایه‌داری در مقابل توده‌های انقلابی بدفاع برخاست. کینه‌توزی و مقابله با شوراهای انقلابی کارگران و حتی گشودن آتش بروی کارگرانی که بخاطر حقوق خویش مبارزه می‌کردند، دشمنی و جنگ با شوراهای دهقانان و بیاریدن گلوله بر سر زحمتکشان ترکمن و کرد، با یمال ساختن حقوق دمکراتیک توده‌ها و نابود ساختن روزافزون دست‌آوردهای قیام، گشتار دانشجویان و تعطیل دانشگاه‌ها با توطئه رسوای آنان تحت پوشش انقلاب فرهنگی، اخراج دانش آموزان و معلمین انقلابی و برچیدن و مقابله با شوراهای انقلابی دانش آموزان، برقراری دم‌افزون اختناق فکری و سیاسی و تفتیش عقاید و ممنوعیت فعالیت نیروهای انقلابی، بازسازی ارتش ضد خلقی، دستگاہهای اداری کهنه و مناسبات استثمار گرانه سرمایه‌داری وابسته، همه و همه از جمله اقداماتی بود که حاکمیت "انقلابی" در پاسخ به انتظارات توده‌ها به آرمغان آورد. وضع اقتصادی و اجتماعی توده‌ها علاوه بر آنکه بهبود نیافت، وخیم‌تر نیز شد. اگرانی، بیکاری و بیخانمانی و بحران عمیق و شدت یافته اقتصاد عرصه زندگی را بر توده‌ها تنگ تر ساخت. فضای مختنق فرهنگی و سیاسی حاکم به سدی در مقابل رشد و شکوفایی خلاقیت توده‌ها تبدیل گشت. استثمار با شدت بیشتری ادامه یافت و جزر فرمهای جزئی در جهت بهبود اوضاع محدودی از زحمتکشان، نصیب اکثریت مردم چیزی جز فشار بیشتر و زندگی طاقت فرسا نگشت. دهکده‌داران - سرکوب و کسبه جزء بجرم گرانفروشی به شلاق بسته شدند. سرپناه بی‌خانمانها چون گذشته بر سر آنها خراب گشت. آنان که ساختمانهای سرمایه‌داران را به اشغال خود آورده بودند و سر نیزه بیرون ریختند. به جای تامین حقوق عادلانه خلقها، جنگ خانمانسوز علیه آنها بر راه افتاد. از قیام تا کنون با شدت و ضعف مختلف، خلق قهرمان کرده‌دهیه‌ای جزرگبار مسلسل و خیماره از جمهوری اسلامی دریافت نکرده است. دهقانان قهرمان و آگاه ترکمن به جرم دفاع از شوراهای انقلابی خود و مبارزه بر علیه زمینداران، به جنگهای تحمیلی محکوم گشتند و رهبران قهرمان آنان بطرز فجیعی به قتل رسیدند. در عوض، فتودالها و زمینداران و مزدوران محلی در مناطق مختلف توسط جمهوری اسلامی مسلح گشتند و تحت حمایت قرار گرفتند و مشترکاً فجیعی همچون قتل عام قارنا

وقلطان آفریدند.

حکومت جمهوری اسلامی بجای "استقلال" به بازسازی وابستگی و به جای "آزادی" به سرکوب آزادیهای حاصله از قیام خونبار خلق پرداخت. نیروهای انقلابی نظیر فدائیان و مجاهدین که در سالهای سیاه سلطه فاشیستی شاه تحت شدیدترین فشارها و پیگردهای قهرمانانه مبارزه می‌کردند، پس از انقلاب "ضد انقلاب" و "امریکانی" نامیده شدند و فشار رعایه آنها همچنان ادامه یافت. در حال حاضر تنها زندانیان تغییر یافته اند و گرنه بسیاری از زندانیان همان زندانیان دیروزند! امروز نیز ترور و اعدام انقلابیون رایج است و اگر پیش ازین برای حکومتگران مقدور نیست، علت تنها در "نخواهستن" است. آری! اینچنین به انتظارات توده‌ها از انقلاب پاسخ داده شد! پاسخی که فقر، بیکاری، نابسا مانی زندگی اقتصادی، محرومیت از تامین رفاه اجتماعی، اختناق فرهنگی و سیاسی و همچنین ادامه و بازسازی وابستگی و وجه مختلف آنرا تشکیل می‌دهد. هم‌اکنون نیز در اثر جنگ بیش از پیش بروخامت زندگی توده‌ها افزوده گشته، جنگی که مشخصاً سرمایه‌داران ایران و عراق و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از آن سودخواهند برد و بار اصلی تلفات و مصائب آن بردوش توده‌های زحمتکش بوده و خواهد بود. طبیعتاً است! پورتونیستها که با ناسادیده گرفتن یا توجیه کلیه اقدامات ضد انقلابی در مورد پامال ساختن دستاوردهای قیام، سرکوب خلقها و بازسازی وابستگی، حاکمیت را "انقلابی" و ضد امپریالیست" ارزیابی کرده اند، امروز نیز هم چنان بدنبال بورژوازی روان شده و با اتخاذ مواضع سوسیال شونیستی، برای پیروزی "جنگ انقلابی" توده‌ها را بزیبر پرچم حاکمیت فراخوانند تا بهتر بتوانند رسالت خویش را در دفاع از جمهوری اسلامی" به انجام رسانند. ولی ایمانداریم که تاریخ، این داور بزرگ، نشان خواهد داد چه کسانی امروز در جهت منافع توده‌ها گام برداشته و چه کسانی فریبکارانه به توده‌ها خیانت می‌کنند. گسترده تر با داتحاد عمل نیروهای انقلابی نابود با داپورتونیسیم در جنبش کمونیستی مستحکم تر با دپیوند نیروهای انقلابی با کارگران زحمتکشان نابود با داپیریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی آنها را شکست داد. تشکیلات راک اول آبان ۱۳۵۹

برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک





# یک ارزیابی کوتاه

## از روحیات توده‌ها نسبت به مسئله جنگ

هر روز که از جنگ خانمان برانداز دولتهای ایران و عراق میگذرد، ماهیت ارتجاعی آن بیش از پیش روشن میگردد. هر روز بیش از روز قبل توده‌های مردم تحت فشار مصائب جنگ و در انقضای درک می‌کنند که این جنگ، تاجه حدبا منافع و خواسته‌های آنان در تضاد است. ناسیونالیسم کوروش و ناسیونالیسم گمراه‌کننده در روزهای اول جنگ اوج گرفته بود و وجود تمامی سعی و کوشش حاکمیت بورژوازی و اپورتونیستها در حفظ و تشدید آن روبه فروکش نهاده است. تحت فشار گرانی، کمبود اجناس، بی‌سره بندی سوخت و ارزاق عمومی، قطع دائمی برق، خانه‌خوابی و ویرانی، تبلیغات جنگ طلبانه هیئت حاکمه هرچه بیشتر بی‌اثر گشته و رنگ می‌بازد. توده‌ها با شنیدن اخبار جنگ و مشاهده خرابیهای بیکران آن هرچه بیشتر در میابند که این جنگ از هر دو سو بسود امپریالیست‌هاست و پس و در این راه ماهیت واقعی و دروغپردازی‌های حاکمیت نیز هرچه بیشتر برایشان آشکار میگردد.

تمامی تغییرات حاصل در ذهنیات توده‌ها، نظریات آنان در مورد جنگ، خرابی، گرانی، کمبود اجناس، سرما و بی‌خانمانی، شیوه برخورد آنان با حاکمیت و سیاستهای آن، همه و همه در برخوردهای روزمره، گفتگوها و بحثهایی که در سراسر کشور در هر تجمع توده‌ای در جریان است منعکس میگردد. امروزه بیش از هر زمان دیگر صفهای نمان، گوشت، خواربار، نفت و تخم مرغ، اتوبوسها - تاکسی‌ها، مدارس، کارخانه‌ها، مساجد و خلاصه تمامی نقاط شهر که توده‌ها در آنجا حضور دارند مرکز برخورد آراء و نظریات و محل بحث و تبادل نظر است.

پویای روشهای عمل و انتخاب تاکتیکهای هر سازمان انقلابی در گرو آگاهی هرچه دقیقتر و هر چه عینیتر از ذهنیت حاکم بر اوضاع مختلف طبق میباید. بهمین جهت است که هر رفیق هوادار موظف است با حضور فعال خود در تجمعات توده‌ای و در زندگی روزمره مردم نه تنها با افشاگریها و جهت صحیح دادن به بحث و تشریح صحیح و اصولی مواضع سازمان به ارتقاء آگاهی توده‌ها خدمت کند بلکه در عین حال با انتقال گزارشات دقیق، از برخوردها، نظریات و بحث‌ها و ذهنیت حاکم بر توده‌ها هر چه بیشتر سازمان را در جریان تحولات فکری آنان قرار دهد.

برای نمونه در این جا جمع بندی انجام شده از حدود ۵۰۰ گزارش از سر خورد با اقشار مختلف توده‌ها را منعکس می‌کنیم تا در عین آگاهی رفتن از چگونگی ذهنیت حاکم بر مردم و تحولات آن، اهمیت تهیه گزارش و برخورد نیز هر چه بیشتر روشن گردد.

لازم است توضیح دهیم که گزارشات منعکس شده مربوط به یکماه ۱۰ مهر الی ۱۰ آبان ماه است که طرف برخورد این گزارشات اقشار متوسط و پائین شهری در تهران بوده‌اند. این برخوردها بعلت کمیت قابل توجه آن میتواند بطور نسبی بیانگر روحیه و طرز فکر حاکم بر این اقشار و طبقات باشد. در این برخوردها افراد را از نظر شیوه تفکرشان درباره جنگ، دلایل و عواقب آن و نظر آنها نسبت به حاکمیت میتوان به چند گروه تقسیم نمود:

۱ - افرادی که کاملاً از حاکمیت و سیاستهایش در قبال جنگ پشتیبانی می‌کنند. برخوردهای این افراد در چهار رجب ثابتی نیست. برخی از سیاستهای جناح بنی‌مدریخی دیگر از سیاستهای حزب جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند ولی در این طیف عمده ترین آنان افرادی هستند که تصمیم‌ها و حرفهای آیت‌الله خمینی را بدون چون و چرا قبول دارند. این دسته از افراد مشخصاً در برخوردهای انجام شده درصد بسیار پائینی (حدود ۱۰ درصد) را تشکیل میدهند و نکته قابل توجه اینکه به نسبت طولانی شدن جنگ تعداد این گونه افراد سیر نزولی طی کرده است. در این گروه از افراد در عین اینکه تاثیر تبلیغات حاکمیت از جمله لزوم تسخیر بغداد، محاکمه صدام حسین، تبیین جنگ بصورت اسلام و کفر و... دیده می‌شود اما وجه غالب را گرایش شائوونیستی و "دفاع از میهن اسلامی" تشکیل میدهد. با ذکر چند نمونه از برخوردهای اینگونه افراد به مساله جنگ بهتر میتوان به ذهنیت آنان پی برد.

پیرمرد پنجاه ساله‌ای \* میگفت "این سردار حسین (ع) هم از زمین نمیره، خدا از زمین ببردش" و مرد ۳۵ ساله میگفت "به امید خدا عراقیها بدبگویمش، بغداد را بگیریم و آنجا یک نمازی بخوانیم" مسافر دیگری در جواب آنها گفت "ایران خیلی بتواند عراق را از خاکمون بیرون کند

\* در مورد سن افراد در اکثر موارد آنچه بنظر رفقای تخمینی منطقی بوده ذکر شده است.

بقیه اش پیشکش". در اتوبوس زن ۶۰ ساله‌ای که غیر آتش‌سوزی آبادان را شنید با صدای بلند گریه میکرد و میگفت "خدا عمر به امام خمینی بده اگر او نبود حال عراقی‌ها تهران را هم گرفته بودند". کارگر ۶۰ ساله شهرداری در حالیکه به سخنان خمینی گوش میدهد "آره صلح یا آتش بس فایده نداره، ما برای اسلام می‌جنگیم، اگر آنها بیرون برود و صدام را اعدام کنیم خوب است" کارگر ۲۰ ساله‌ای میگوید "اگر جنگ به نفع ما نبود آقا هرگز جنگ را شروع نمی‌کرد، هر کاری آقا بگه همان کار را می‌کنیم. اول باید خاکمان را بگیریم بعد صلح کنیم و تمام خسارت جنگ را از عراق بگیریم". مرد باقالی می‌گفت "باید بجنگیم تا پیروز شویم... بدون اسلحه نمی‌شود جنگید فعلاً ز آلمان وسایل بدکی می‌خریم تا ببینیم چه می‌شود" یک کارگر آهنگر عقیده داشت که "هر چه امام و بنی‌صدر و رجا می‌بگویند همانست انقلاب شده باید ضرر را تحمل کنیم اگر صلح بشود به ضررمانا باشد بد نیست" و آرایشگر ۴۵ ساله‌ای نظرمیداد که "چون ایران میخواهد انقلاب را صادر کند آمریکا صدام را وسیله قرار داده و بسه ایران حمله کرده تا صدام و حزب او هست می‌جنگیم".

البته رفقای با بد توجه داشته باشند که افراد متفاوتی از اقشار متوسط و پائین که بعلت ناآگاهی و توهمشان نسبت به حاکمیت چنین برخوردی می‌کنند. اقشاری از جامعه (از جمله تجار و بازاریان مرفه، خرده بورژوازی سنتی مرفه و...) نیز بشکل آگاهانه از سیاستهای دولت در مورد جنگ حمایت می‌کنند. در مورد گروه اول عمدتاً بعلت ذهنیت حاکم بر آنان تبلیغاتی از قبیل اعلامیه، پلاکارده و... چندان تاثیر ندارد زیرا که در قبال آن موضعگیری از پیش ساخته‌ای دارند و یا حتی بسدان توجه نمی‌کنند. در این موارد تبلیغ شفاهی از برده موثر و وسیعی برخورددار است. بخصوص در رابطه با اقشار متوسط و پائین جامعه میتوان با بیان و اطمینان عینی و ملموس چون خرابیها، گرانی و کشتار جوانان و تشریح رابطه این مسائل با تسریع وابستگی به امپریالیسم و... بشکلی غیر مستقیم سیاستهای ضد خلقی حاکمیت و ماهیت ارتجاعی جنگ را افشاء نمود.

۲ - افرادی که وجه غالب در شیوه برخورد آنان را شوونیسم و گرایشات دفاع از میهن تشکیل میدهد این گروه بقیه در صفحه ۱۲

### باتکاء به نیروی توده‌ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشید

# یک ارزیابی

بقیه از صفحه ۱۱

در مقابل تبلیغات، اعلامیه‌ها تراکت و پلاکاردها و واکنش منفی و حساد نشان نمیدهند. کمیت بالایی این ذهنیت در توده‌ها و سعتوا همیت نیروهای انقلابی را تا حدی به نمایش میگذارد و در بر خورد با این دسته از افراد با بدسی نمودن آنها مکان با استفاده از زمینه موجود آنان نسبت به ماهیت حاکمیت و مخالفت آنان با مساله جنگ، این آگاهی سطحی و شناخت حسی را تعمیق بخشیده ریشه‌ها و علل اصلی جنگ و سیاستهای حاکمیت را بدقت برایشان روشن نمود. در عین حال با روشن شدن دقیق علل جنگ و ماهیت دولتهای ایران و عراق تا حد زیادی نیز میتوان بر شوونیسم و تب‌دفاع از میهن آنان تاثیر نهاد.

در این مورد علاوه بر تبلیغ شفاهی شعار نویسی، نصب و گرداندن پلاکاردها و پخش وسیع تراکت و اعلامیه در مورد ماهیت جنگ، تاثیر بسزائی دارد.

۳ - افرادی با بینش و شناخت صحیح (عمدتا حسی) نسبت به مساله جنگ - این افراد عمدتاً میدانند که جنگ موجود، جنگ بین دولتهاست و ادامه آن برضد توده‌های ایران و عراق و به نفع آمریکا و بورژوازی وابسته میباشد. مساله جنگ و مصائب آن در بالا رفتن سطح این بینش تاثیر بسزائی نهاده است. نمونه‌های زیر نظرات متفاوت این افراد را نشان میدهد:

کارگر جوانی میگفت "این جنگ نیست، آدم کشی است، باید بهتر ترتیبی شده صلح کرد، واقعیت این است که تا بحال بجز بدبختی، بیچارگی و صاف چیزی از جنگ عایدمان نشده است جوانی با گرایشات مذهبی می‌گفت "میدانی چرا نمی‌روم جنگ؟ بخاطر پسرعمویم، این بی‌شرف ملیونراست بخدا اگر امروز آنها بروند فردا منم می‌روم ولی ما برویم بمیریم آنها زنده بمانند. من خودم حدود ۲۰ تا مسجد رفتم دیدم همه کسانی که برای جنگ اسم مینویسند یا بیکارند یا بدبخت و بیچاره" مهرب میانسالی که در بازار کار میکشید میگفت "این بازار را بیاخیلی پست هستند شب می‌روند نقشه می‌کشند صبح یک تومان، ۲۰ تومان روی جنس می‌کشند خود حاجی ما از برکت جنگ ۱۵۰ هزار تومان دوروزه گرانتر فروخت" جوان دیپلمه‌ای میگفت "دولت ایران سیاست دارد، هر موقع دارد ضعیف میشود کاری میکند که دوباره مردم را جلب کند. با رسال سفارت را گرفت امسال هم دید مردم دارند زده می‌شوند جنگ راه انداخت الان به بهانه جنگ کمونیستها و مجاهدین

از افراد از نظر شیوه برخورد به مساله جنگ طیف بسیار وسیعی را تشکیل میدهند که در برخورد با لاترین در صدر این خود اختصاص میدهد (حدود ۶۰٪) در میان آنان تا حدودی گرایشات ضد حاکمیت بخصوص در شکل گرایشات "صدآخوندی" بروز نموده است. تعداد زیادی از این افراد حاکمیت را مسبب ادامه جنگ و خرابی میدانند، اما مساله عمده آنها را مساله بازگشت به مرزها و پس گرفتن مناطق اشغال شده و دفاع از خاک و میهن تشکیل میدهد. باید دقت کرد که این شکل از برخورد در اکتشافات مرفه و بالانیز دیده می‌شود چند نمونه از اینگونه برخوردها میتوان بد خوبی وسعت و تنوع دیدگاههای این دسته را نشان دهد.

کارگر جوانی میگفت "دیروز که سفارت اشغال شد پاپ آمدنیم پاپ آمد... حالا هیچ کس بفکر ما نیست فقط میگویند صلح او با عصیانیت در حالیکه به کسانی پیشنهاد صلح میدهند بد میگفت "آخر صلح چی؟ آمده اند، اهواز باز هم صلح؟" کارمند ۳۵ ساله‌ای میگفت "جنگ فایده ندارد فردا یک وقت به جای حقوق هم به ما بن میدهند باید هر چیه زودتر صلح کرد ولی فقط وقتی از خاک ما بیرون بروند کارگر شن - ریزی شهرداری معتقد بود که "صلح خوب است بشرطی که از عراق از خاک ایران بیرون برود - جنگ کلا باعث خرابی و گران می‌شود و ادامه اش غلط است." در تشییع جنازه شهدای جنگ یکی از میاه مردم گفت "بگذار این آخوندها اقلاب میرن تا اینها مملکت را به گند کشیدند نمیدانم چرا دست از سر ما بر نمی‌دارند" مردم هیچگونه عکس العمل منفی نشان ندادند. همچنین پیرزنی در صف تخم مرغ میگفت "دانشگاهها را بستند دانشجوهارا کشتند - شاه با همه قدرتش نتوانست کردها را سرکوب کند آخوندها میخواستند اینکار را بکنند؟ تمام وقتمان توی صف است و متوجه اوضاع مملکت نمی‌شویم آنوقت آخوند ها پول و طلا خارج می‌کنند از ارتش هم که چیزی نمونده است. علی همیشه پرچمدار جنگ بود آنوقت اینها صدسوراخ قایم شده اند و دستورها میدهند "وزن زحمتی در صف ناوای میگفت "هی می‌گویند نیندیند ببینید چه چیزی داریم ما دو تا نان اضافی نداریم، آنهایی که این را می‌گویند نیار برنج و روغن دارند. گفتیم انقلاب می‌شود وضع بهتر میشه ولی کره پنیر و گوشتمون را هفته‌ای یکبار با جنگ و دندان باید بگیرد آورد. باز قبلاً پنقدر سختی نبود. زن در جواب خانمی که گفت "انشاء الله درست میشود" با فریاد می‌گفت "کی درست می‌شود" ما گفتیم نخست وزیر بیاید بهتر میشود ولی با آمدن رجائی جنگ هم شروع شد. این گروه از افراد بعلمت شکسته شدن توهمشان نسبت به حاکمیت عمدتاً

رامی‌گوید "کارگری میگفت "این حکومت با آن حکومت فرقش اینست که آن حکومت چون متمدن بود با جنگال غذا میخورد کمی زمین می‌ریخت ما هم می‌خوریم، این با دست می‌خورد آن یکی دستش را هم می‌گیرد زیرش که زمین نریزد" کارگر ۱۸ ساله‌ای میگفت "جنگ را به ما عراق تحمیل کرد ولی کلا بضرر ماست فردا اسلحه می‌خواهیم مجبوریم با آمریکا سازش کنیم" رفتگر ۵۵ ساله شهرداری میگفت "عامل جنگ مالاها هستند و فقط فقرا کشته میشوند"

آخرش هم آشتی میشود پس چه بهتر هر چه زودتر بشود چون ضررش اقل است کمتر است. او داده می‌داد "این مردم بدبختی شون آینه که بکله شون فشار نمیدن و گرنه می‌فهمیدن که رژیم به نفع خودش کار میکند و ملت را به کشتن میدهد" راننده ۲۸ ساله‌ای میگفت "همش اسلام، اسلام، مردم انقلاب کرده اند و وضعشون بهتر شود الان هم مثل قبل هر کسی می‌ترسد حرف بزند چون می‌گویند ضد انقلاب جنگ هم شده روز با لاقوز"

فقالی فروش ۵ ساله‌ای میگفت "من این جنگ را قبول ندارم قبلاً با قلا فروش بودم بعد از انقلاب هم با قلا فروش هستم با تا بچه جنگ شده اینهمه گرانی شده چه کار بکنیم - این جنگ زرگری است، اینها می‌خواهند مثال من را که در مملکت زیاد می‌هستند به جبهه بروند و کشته بشوند و خود شون کیف کنند. جلوی مسجد که کارتهای چیره بندی را قسمت میکردند حدود ۲۰ نفر از زحمتکشان بودند در صحبتی که در گرفت عموم معتقد بودند که "اگر دولت اسلحه میداد همه میرفتیم جنگ هر کدا یک تیر هم که میزدیم عراق فرار می‌کرد ولی دولت اسلحه نمی‌دهد" کارگر قیرساز ۱۵ ساله‌ای گفت "جنگ به نفع ما نیست، منافعی به جیب ما نمی‌رود بجز گرانی، خرابی - کشتار و تازه همه کسانی که به جنگ می‌روند و کشته می‌شوند همه یا ثین شهری و طبقه ۳ می‌باشند. زن زحمتکش ۴۰ ساله‌ای که بیسواد بود میگفت "جنگ چه خوبی دارد فقط جوانهای مردم بیگناه کشته می‌شوند ولی خود شون که نمی‌روند جلو" او در پاسخ آنکه "مگر جنگ مال مردم نیست؟" گفت "نه مال دولتهاست برای ما چی دارد؟ فردا همه چیز گرون میشه الان هم گرون شده" عطار ۵۵ ساله‌ای که از خرمشهر آمده میگفت "جنگ بخاطر سیاستهای غلط دولت خودمان و تجاوزگری های عراق شروع شده و باید هر چه زودتر صلح کرد چون مردم کا ملافلج شده اند" کارگر ۲۴ ساله لباسشوئی میگفت "نمیدانم جنگ برای چه شروع شده و به چه صورت تمام می‌شود ولی میدانم که بسود ما و عراق نیست بلکه سود را کسی می‌برد که کنار گوشت نشسته است" بنایمی میگفت "جنگ راه ترده مستضعف ایران میخواست و نه مال عراق جنگ را دولت راه انداختند و برای ما فقط ضرر روزیانی می‌آورد و پیر

بقیه در صفحه ۲۲

## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



چند روز پیش نیز همراه با فرار رسیدن مرحله ای تازه از رشد نارضایتی توده ها و تضادهای فراکسیونهای حاکم، آیت الله خمینی نطقی ایراد کرد که محور آن برخورد با دو مسئله مذکور بود. آنجا نیکه این مرحله بنا بدلائلی که مادر سرمناله کار ۸۵ بدان اشاره کردیم مرحله تازه ای محسوب می شود، لازم دیدیم که دیدگاههای آیت الله خمینی را پیرامون دو مسئله مذکور مورد بررسی قرار دهیم.

# انقلاب برای چه بود؟

بقیه از صفحه ۱

وغارت امپریالیستی را جستجو کردند که سالها زندگی توده های زحمتکش را به تباهی کشانده بود. این شعار بیان خواستها و تمایلات ضد امپریالیستی خلق ایران بود، خلقی که سالها تحت ستم امپریالیستی قرار داشت و بی هویت و وابستگی و اسارت را بردوش کشیده بود، خلقی که سالها سلطه جا برانه و ستمگرانه امپریالیسم را با تمام وجود خود لمس کرده بود، اکنون برای رهائی از قید و وابستگی و ستم، از قید غارت و استثمار رها گشته بود.

خلق ایران که بتجربه دریافته بود، در طول سلطنت منقور پهلوی، میهن ما هر روز بیش از پیش تحت سلطه امپریالیسم قرار گرفته و به آن وابسته شده است، خلق ایران که بتجربه دریافته بود میهن ما عرصه تاراجگری و غارت انحصارات امپریالیستی و شرکای داخلی آن بورژوازی وابسته قرار گرفته است. خلقی که در زندگی و تجربه روزمره خود بعینه دیده بود که دار و دسته بورژوازی حاکم به رهبری دربار و با حمایت و پشتیبانی امپریالیستها تمامی ثروت میهن ما را غارت می کنند و در عوض خلقیش از پیش مورد ستمگری و غارت قرار می گیرد و زندگی هر روز برای آنها دشوار تر و فلاکت بار تر می شود، خلق ایران که دریافته بود، تمام شئون زندگی اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی میهن ما وابسته به امپریالیسم شده است، با خاست تا سلطه امپریالیسم را از میهن ما براندازد و هرگونه وابستگی را درهم بکوبد.

خلق ایران که بتجربه پیوند سلطه امپریالیستی را با سیستم سرمایه داری وابسته دریافته بود، خلق ایران که بطور عینی و ملموس فشارهای ناشی از سیستم سرمایه داری وابسته و سیستم حکومتی حافظ آن را دریافته بود و همه اقشار و طبقات خلق هر یک بنحوی و در سطحی این فشار را متحمل می شدند با قیام خود بطور غریزی مبارزه با سلطه امپریالیسم و برانداختن هرگونه وابستگی را با حمله به سرمایه داری - وابسته که اساس این سیستم و سلطه است آغاز کردند. در آن شرایط کارگران با فشارهای

آنگاه که آیت الله خمینی در سخنرانی اخیر خود در جمع بازاریان قم ایراد کرد، قبل از هر چیز با زتاب ناتوانی هیئت حاکمه ایست که از پاسخگویی به نیازها و خواسته های اساسی توده ها بازمانده است و اینکه شرایط سخت زندگی، توده ها را به پوچ بودن وعده های دوساله حاکمیت متقاعد می کند و توهمات آنها در حال فرو یا شدن است به پوده کوشش می کنند توده های نارضایتی را آرام کند و از سوی دیگر "سران" را که بجان یکدیگر افتاده اند به آشتی و سازش دعوت کند. آیت الله خمینی در این سخنرانی خود بیش از هر چیز بر این مسئله تاکید می کرد و مدام آنرا تکرار می نمود که توده ها در تطاهرات خود نشان دادند که اسلام را می خواهند، و عبارتی برای اسلام انقلاب کردند. ما در اینجا وارد این بحث که اساسا "انقلابات ناشی از شرایط مادی و ضروریات عینی احتیاج ناپذیر است و نیز وارد بحث فلسفی این مسئله نمی شویم اما اگر قضاوت خود را تنها بر آنچه که خود توده ها می گفتند و شعاری که با زتاب محتوای مبارزه آنها بود، قرار دهیم، آنگاه روشن میشود که توده ها برای چه چیزی انقلاب کردند. بنظر میرسد که حتی آیت الله خمینی نیز نتواند منکر شود که شعاری توده های میلیونی، پیش از قیام، "شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" بود.

اگر این شعار را با بشکافیم بخوبی روشن می شود که واژه های "استقلال" و "آزادی" که در این شعار مطرح شده بود نه بنا به میل و اراده افراد بلکه از ضروریات عینی جامعه و مرحله انقلاب ناشی می شده است. در حقیقت شعار "آزادی" و "استقلال" بیانگر محتوای مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده ها بود که با توجه به خصوصیت خرده بورژوازی جنبش رهبری آن با توجه به جو وسیع "مذهبی که ایجاد شده بود، جمهوری اسلامی بعنوان شکل تحقق این محتوا مطرح شده بود.

توده های که بخاطر دست یابی به استقلال و آزادی قیام کرده بودند، اما عمیقا دچار ذهنیت خرده بورژوازی و جو خرده بورژوازی حاکم بودند، چنین تصور می کردند که با برافتادن نظام سلطنتی و استقرار جمهوری اسلامی با استقلال و آزادی دست خواهند یافت. آنها در شعار استقلال نفی هرگونه وابستگی، نفی هرگونه ستم، استثمار

ناشی از استثمار، گرانی، بیکاری فقر و صدها فشار اقتصادی دیگر و بیرونی بودند. دهقانان، زیر بار فشارهای مالی، ستم بقایای فئودالیسمی و زمینداری بزرگ، سرمایه های بزرگ و سیاستهای ضد خلقی رژیم شاه در مورد مسئله ارضی، قراردادها و سراسر انجام خرده بورژوازی شهری نیز که زیر بار فشارهای سرمایه های بزرگ، فشارهای مالی، گرانی، انواع و اقسام اجحافات حکومتی به ورشکستگی و خانه خرابی تهدید می شد، مجموعه این شرایط و عوامل مادی است که خلق را بعرضه مبارزه آشکار برای کسب استقلال، کشاند. این است دلیل اینکه چرا شعاری استقلال تبدیل به شعار بسیج کننده ای شده بود که انتشار و طبقات مختلف خلق را در خود جمع کرده بود، و این شعار دقیقا پاسخگوی نیازهای عینی و مادی خلق بود.

اما آیا راستی مبارزه ضد امپریالیستی و تلاش در جهت کسب استقلال، می توانست جدا از مبارزه برای دمکراسی باشد؟ خیر. توده های زحمتکش میهن ما سالها سال ستم ناشی از وابستگی و غارت امپریالیستی را زیر یوغ دیکتاتوری عنان گسیخته ای بردوش کشیده بودند که ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی را از خودها سلب کرده بودند و هادربافته بودند که در شرایط فقدان آزادیهای سیاسی و سلب ابتدائی ترین حقوق توده ها رژیم منقور و مزدور شاه هر چه میخواست می کرد و هر صدائی را در گلو خفه می کرد. این بود که توده ها به تجربه دریافته بودند که مبارزه ضد امپریالیستی، مبارزه بخاطر کسب استقلال از مبارزه بخاطر کسب دمکراسی جدا نمی پذیرد. این بود که در کنار شعار "استقلال" که همانا بیانگر مبارزه ضد امپریالیستی توده ها بود، شعار "آزادی" که بیانگر جنبه دمکراتیک مبارزه، خواسته های دمکراتیک و برقراری دمکراسی برای خلق بود، مطرح شد.

اگر طبقه کارگران ایران که تنها طبقه ایست که قادر است این مرحله از مبارزه خلق را بسر انجام برساند و بخواسته های آنها پاسخ گوید و جا مه عمل بیوشاند، بدلائلی که در اینجا مجال بازگو کردن آن نیست، نتوانست رهبری مبارزه خلق را در دست گیرد، خرده بورژوازی این رهبری را در دست گرفت و به توده ها وعده داد که در جمهوری اسلامی این خواسته های آنها برآورده خواهد شد.

آیا واقعیات جز اینست؟ و آیا آیت الله خمینی میتواند منکر آنچه شود که خود پیش از قیام مکرر قول آنرا به توده ها داده بود؟ پس اگر این شعار توده ها با بیانگر خواسته های آنها بود، علتش چیست که کم کم همه چیز فراموش می شود و آیت الله صریحا مطرح می کند که مردم تنها برای اسلام

بقیه در صفحه ۱۴

## رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

# انقلاب برای چه بود؟

بقیه از صفحه ۱۳

که آیت الله خمینی که مدعیان بودند این جامعه ایفا کند، پیوسته که در آن و عود داشته، آشکارا بنیادین بنیان، لیبرالها مکتوبند که این بود با بد پوشیده و با مرفعی باشد و همه را که در باره تفکیر دین از سیاست میگویند، تنها بدین مقتضات، در حالیکه سران حزب جمهوری معتقدند که این بودند با بد آشکارا شد و روحانیت نیز آشکارا در سیاست دخالت کند و الا هیچ کس کمترین تردیدی ندارد که بازرگان و بنی حدر، بهمان اندازه بر بخش مذهب و انقیاد و بداندانی بنیادین که بهشتی و رفسخا، در اینجا است که آیت الله خمینی که خمینیه سعی کرده است در شرایط عدت بنیادین درونی بورژوازی جانب این یا آن تب نمایندگان سیاسی بورژوازی را ببرد اما در اساس جانب هر دو جناح را گرفته است، اکنون با شرایط تازه ای روبرو شده است، آیت الله خمینی که از جنبه تعلیقات مذهبی و پیوندهای تاریخی خود به سران حزب تمایل بیشتری نشان داده است در پیوند آشکار دین و سیاست تحقق این جنبه از آرزوها و خواسته های خود را می بیند، در شرایط بحرانی کنونی، در شرایطی که از یک سو با رشد ناراضی توده ها و از سوی دیگر عدت تضادهای درونی هیئت حاکمه روبرو است، رودر روی حزب جمهوری اسلامی یک لیبرال زیرک را می بیند که سرعت در حال قدرت گرفتن است لیبرالی که همه لیبرالهای وابسته به بورژوازی متوسط، نمایندگان بورژوازی بزرگ، ارباب و امیران مسم امید خود را برای رهائی سیستم و جهان از بحران موجود با بسته اند.

بنی حدر در شرایطی در برابر حزب جمهوری اسلامی و آیت الله خمینی به صورت یک خط در آمده است که توده ها با سرعت اعتماد خود را نسبت به حاکمیتی که از نظر آنها روحانیت سمبل آن بود، از دست میدهند. بنی حدر از جهات مختلف موقعیتی سوا بازرگان دارد، او در شرایطی رودر روی سران حزب جمهوری اسلامی و حتی آیت الله خمینی ایستاده است که مرحله ای تازه در مبارزه توده ها و سلب اعتماد آنها نسبت به حاکمیت آغاز شده است، سوا این مبارزه است، امام نیست بلکه نه بارده میل به رای توده های تکیه میکند که او را به مقام ریاست جمهوری رسانده اند. بنی حدر اکنون ارباب و بوروکراسی را پشت سر خود دارد، او اکنون سخت و همه لیبرالهای ایران است و از حمایت آنها برخوردار است، علاوه بر این با زیرکی تمام سعی میکند توده های را بدنیال خود بکشد که در این دوسال از حاکمیت خیری ندیده اند.

این است مجموعه عواملی که امروز بنی حدر و لیبرالهای دیگر را بصورت یک قطب نیرومند در آورده است که نه تنها سران حزب جمهوری اسلامی، بلکه حتی آیت الله خمینی را بشدت نگران کرده است، این است پایه دوم محوری که سخنرانی آیت الله خمینی بر اساس آن ایراد شد.

جمهوری اسلامی بر سر سلب حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی توده ها بنا نهاده است. توده ها عینا توحید بسته بودند، یکبار از آزادیخواه شده، با مردم و آزادیهای آنها افتاده اند و بر آزادیهای زدست رفته و لگدمال شده اشک میریزند و سیه خاک می کنند. بورژوازی لیبرال که با عذر در روز افزون ناراضی توده ها است می گوید تا با فریب توده ها و طرح آزادیخواهی دروغین خود، توهم دوساله توده ها را با شیوه های سرکانه بحرانی دیگر کمالیزه کند، از این روست که بهر برابر رقیب خود توده ها وعده آزادی، رونق اقتصادی و رفح تمام با سیاستهای موعود را میدهد، بنی حدر آن که آیت الله خمینی تصور میکند، لیبرالها به هیچوجه نه آزادیخواهند و نه طرفدار آزادی های واقعی بلکه آنها میگویند بدین طریق توده ها را فریبند و موثرت خود را در برابر جناح رقیب مستحکم کنند. واقعیت این است که در ایران بر همانند هر کشور دیگری، ما با دو تیپ سیاستمداران بورژوازی روبرو هستیم که یک تیپ آن در اینجا سران حزب جمهوری اسلامی، آشکارا سوی مذهب و مبارزه آشکارا دموکراسی تمایل دارد، در حالیکه تیپ دیگر آن یعنی لیبرالها بشیوهان پوشیده و ما هر آنه، تمین تمایل را دنبال میکنند "در تمام کشورها... ما با دو تیپ سیاستمداران بورژوازی روبرو هستیم یک تیپ آن آشکارا سوی مذهب، سوی پوریشکویچه ها، سوی یک مبارزه مستقیم و بی محابا با دموکراسی تمایل دارد و می کوشد که میبایستی تئوریک محکمی بر آن درست کند که این گرایش را مورد حمایت قرار دهد. تیپ دیگر در پوشاندن و سر پون گذاردن برای این گرایش با ادعای دموکراسی، تخصصی دارد"

(مشاجرات سیاسی در میان لیبرالها - لنین)

از سوی دیگر مسائلی که در اختلافات درونی لیبرالها و سران حزب مطرح است و آیت الله خمینی نیز با اشاره کرد، مساله تفکیک دین از سیاست است. واقعیت این است که این دعوانه بر سر نفی مذهب و انکار آن، نه بر سر تفکیک واقعی دین از سیاست، بلکه بر سر نحوه این پیوند است.

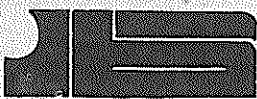
لیبرالها دروغ میگویند که خواهان تفکیک واقعی دین از سیاست هستند، این تنها یک فریب است، آنها تنها خواهان تفکیک بورژوازی دین از سیاست اند آنها میخواهند که این پیوند پوشیده بماند و نه آشکار، دعوی حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها در این زمینه بر سر اینست

انقلاب کردند و نه یزدیکر، پاسخ این مساله روشن است، از زمان هنگامی که آیت الله خمینی، لیبرالها و سران حزب جمهوری اسلامی را بر نیروهای انقلابی ترجیح داد و سیاستهای این دو جناح بورژوازی را نزدیک و جدا کرد و قرار داد، عملا "شعار استقلال و آزادی یا بعبارتی صحیح تر مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک توده ها، تحت الشعاع منافع بورژوازی قرار گرفته بود. اما توده ها هنوز فکر می کردند و بخشهایی از آنها هنوز فکر می کنند که با زهم در شرایطی که قدرت اصلی در دست نمایندگان سیاسی بورژوازی است، امکان تحتانی خواسته های آنها وجود دارد، توده ها به رهبری جنبش اعتماد کرده بودند و سر نوشت خود را بدست رهبری سپرده بودند. آنها تحقیق تمام آمال و آرزوهای خود را در رهبری جنبش جستجو می کردند و به آن امید بسته بودند، اما این اعتماد توده ها ناشی از نا آگاهی و زودبایی بود، آنها دچار توهم شده بودند و دقیقا "بر اساس همین توهم و بر اساس جو خورده بورژوازی که جامعه را فرا گرفته بود، و اعتماد نا آگاهانه به سرمایه داری و وابسته را از زیر ضربات خرد کننده توده ها نجات بخشد، به حکومت خود ادامه دهد و موجودیتش را حفظ کند. آیا چه کسی جز رهبری جنبش میتواند است توده های انقلابی را وادارد که به بازرگانها، قطب زاده ها، یزدیها، چمرانها، بنی حدرها، مدنیها و بهشتیها اعتماد نکنند و از آنها پشتیبانی نمایند؟ چه کسی جز رهبری جنبش که از اعتماد توده ها برخوردار است میتواند است سیستم وابستگی را از زیر ضربات خرد کننده توده ها نجات دهد و بر بازسازی دستگاههای ستگری رژیم مزدور شاه، توسط بازرگانها محاسبه بگذارد؟ چه کسی جز رهبری جنبش که بر توهمات توده های زحمتکش تکیه داشت میتواند است، فدائیان خلق، و مجاهدین خلق را دشمنان مردم معرفی کند، اما بازرگان، بهشتی، مدنی، امیر انتظام، قطب زاده، یزدی و دهها نماینده بورژوازی را دوست مردم معرفی نماید؟

محور دیگر بحث آیت الله خمینی را در این سخنرانی بر خورد به فرا کسبهای بورژوازی حاکم، تضادهای درونی آنها و بحران حکومتی تشکیل میداد. آیت الله خمینی ضمن حمله به کسانی که از تفکیک دین و سیاست صحبت می کنند و با از آزادیهای سخن میمان میاورند که بقول ایشان ممکن است مورد سوء استفاده فدائیان خلق قرار گیرد، لیبرالها و رهبران حزب جمهوری اسلامی را به سازش و تفاهم با یکدیگر دعوت کرد. امروز در شرایطی که بحران حکومتی به نهایت حدت خود رسیده است و در شرایطی که موج بریدن توده ها از حاکمیت شدت گرفته است، لیبرالها که تا دیروز علی رغم تمام اختلافات خود با رهبران حزب

## پرتوان با جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران





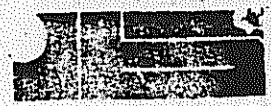
## تخصص و مکتب دستاویزی برای کسب قدرت پیشتر

بقیه از صفحه ۱

زیادتی در یافتن راه حل "پنهانی" و حل مسأله در "بین خود" و جلوگیری از بروز "عکس العمل تند" دارند چنانکه بهشتی میگوید "مردم میخواهند که مستولان اختلاف نظرهای منطقیشان را بین خود و با انجام گفتگو و استدلال حل کنند" هاشمی رفسنجانی میگوید "اختلاف نظر نباید منتهی به عکس العمل تند شود" و در نهایت خامنه‌ای مردم را بشدت تشویق می‌کند تا "پای خود را از این مسأله" و "کلا" از سیاست "کنار بکشند" (جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۸، سه شنبه ۲۰ و شنبه ۲۴ تان) اما لیبرالها چنان جرات یافته اند که بنی صدر دست به سخنرانی و افشاکری میزنند و حزب و سران آنرا از تصفیه حساب توسط مردم میترسانند و وی را قطب زاده این عامل سرسپرده، این "مردم" ای که چندان هم قابل شیون نیست "علیرغم تاکیدات مکرر آیت الله خمینی بر حفظ وحدت کلمه" و بزبان نیاوردن سخنان "تفرقه افکن" پته حزب را روی آب میریزد. این روزها می بینیم که حربه "تظاهرات" و "جمع آوری طومار" دوباره - و اینبار در جهت تحکیم مواضع لیبرالها - بکار گرفته شده است. حزب جمهوری اسلامی که تثبیت هر گونه معیار و ضوابطی بر اساس "تخصص" و تسلط بر "علوم جدید" را بعزت و وضعیت برتر لیبرالها بر ضد خود دیده معنای عقب افتادن از قافله قدرت می‌داند، در پی سنگر "مکتب" موضع می‌گیرد. حزب در ارگان خود در مقاله‌ای تحت عنوان "آزادانش تا ارزش" پس از تاختن بسیار بر لیبرالها حرف اصلی خود را چنین طرح می‌کند که "چرا کشا و رزی مادر سال گذشته نتیجه‌ای عالی بیار آورد و چرا اینچنین موقعیتی را در سطح کارخانه‌ها بدست نیاوردیم؟ بخاطر اینک که دهقانان مخاطبان مستقیم ما بودند. بخاطر اینکه این حکم در دستگاه لیبرالی حاکمه تغییر شکل و محتوا نداد و بخاطر آنکه کارخانجات در چهار چوب همان نظام متحجر بوروکراتیک و تکنوکراتیک دست و پا می‌زدند و لیبرالیسم با اصل تقدم "تخصص" بر هر چیز و با بینش ضد توحیدی "تولیدی" ... انزوایی موقت را برای نیروهای اصیل اسلامی فراهم کرد. سپس ادا می‌دهد "آیا رسیدن به خودکفایی و تولید ملی تنها با تکیه بر تخصص و بهادادن به "تجربه" امکان پذیر است" و پاسخ میدهد مسلم است نه باید دید "یک متخصص ... میخواهد چه چیز را بسازد یا میخواهد به ساختمان یک جامعه سوسیالیستی بپردازد و آیا میخواهد یک اقتصادداری آزاد را پی افکند ... و در نهایت نتیجه می‌گیرد که "ملاحظه میکنید که اینجا با زهم اصل تقدم "اخلاق" بر "علم" و "ارزش" بر "دانش" اثبات میشود. خلاصه کلام اینکه تنها بکارگیری افراد "مکتبی" است که ما را به مقصود خود یعنی "خود کفایی و تولید ملی" میرساند و پس از ساله روشن است حزب جمهوری اسلامی در مورد اصل مسأله سخن ندارد. "مکتبیون" کلاد مورد شکل مالکیت و روابط اقتصادی حاکم و بقای سرمایه داری اعتراضی ندارند. اختلاف نظر آنها با لیبرالها اینست که چرا "متخصص" ها میخواهند سیستم را بشکل دلخواه خود بازسازی کنند؟ حزب و حزبیبون

فرماندهان متخصص آریا مهری با زاری کامل نمایند و در این راه از موقعیت جنگی نیز حداکثر استفاده را میبرند. برای لیبرالها "تخصص" یعنی اتکاء و توسل به امپریالیسم، تخصص یعنی لزوم بکارگیری مهره‌های امپریالیسم ویا "تحصیل کردگان" لیبرال - تخصص بهانه‌ای است برای بازسازی و تحکیم هر چه سریعتر روابط وابستگی. در عین حال لیبرالها و در رأس آنان بنی صدر قصد دارند با اتکاء به مسأله "تخصص" جناح "حزبیون" را (که تخصصشان در "مکتب" است) بکناری بزنند. این مبارزه "مبارزه بین انقلاب و ضد انقلاب" نیست بلکه مبارزه‌ای در درون اردوی ضد انقلاب است. مبارزه‌ای نیست که بر سر از بین بردن یا بازسازی روابط سرمایه داری وابسته درگیر باشد بلکه مبارزه‌ای است بر سر "چگونه و به چه وسیله" بازسازی کردن این روابط، سرعت و چگونگی این عمل. این مبارزه نه مبارزه‌ای در جهت اعتلای مبارزات خلق و تامین منافع و خواسته‌های توده‌ها بلکه مبارزه‌ای است بر سر شیوه‌های تحمیل توده‌ها و به انحراف کشاندن و سرکوب مبارزات آنان. مبارزه بر سر اینست که چگونه میتوانیم ضربه خورده سرمایه داری وابسته را با سرعت هر چه بیشتر بازسازی نمود بشکلی که باعث اوجگیری مبارزات خلق و بالا گرفتن موج اعتراض آنان نگردد و در عین حال منافع بورژوازی متوسط تامین شود. این مبارزه بر سر کسب قدرت و اعمال هژمونی است. مثلاً "لیبرالها مخالف بکارگیری "مکتب" در جهت به انحراف کشاندن مبارزات توده‌ها و تسهیل و بازسازی سیستم نیستند. اما آنها خواستار اعمال هژمونی خود بر "مکتبیون" هستند و به همین علت نیز تا کید بسیاری بر بکارگیری "متخصصین مکتبی" دارند. همچنین حزبیبون نمی‌توانند بدون بکارگیری "تخصص" به بازسازی سیستم بپردازند. و چنین چیزی راه نمی‌خواهند اما بخاطر اعمال هژمونی بر جناح دیگر تا کید خود را بر تقدم "مکتب" بر "تخصص" می‌نهند. بر اثر مبارزات آشکار و پنهان جناح‌های حاکمیت بر سر کسب قدرت هر چه بیشتر توده‌ها بتدریج به ماهیت آنان پی می‌برند. توده‌ها در تجربیات عملی خود در می‌یابند که دعوا بر سر استثمای روغارت هر چه بیشتر آنان است. دعوا بر سر اینست که چه کسی سهم بیشتری از دسترنج آنان را به جیب بزند. در این میان بتدریج توهمات توده‌ها نسبت به حاکمیت از بین می‌رود. در این کشاکش مبارزه طبقاتی همانطور که "مکتب"، که توسط حزب جمهوری اسلامی و سایر "مکتبیون" در جهت تحمیل توده‌ها بکار گرفته شده است، بتدریج رنگ می‌بازد، همانطور نیز توده‌ها در اثر تجربیات عملی خود به ماهیت "تخصص" گرایان و بکارگیری "متخصص" از سوی لیبرالهایی خواهند برد. توده‌ها در می‌یابند که "مکتب و تخصص" هردو از سوی جناح‌های حاکمیت جهت تحمیل و به بند کشیدن آنان و در راه بازسازی هر چه سریعتر روابط وابستگی بکار گرفته شده است.

نمی‌خواهند بنیاد سیستم، مالکیت و روابط وابستگی را مورد چون و چرا قرار دهند. آنها فقط وحشتشان از این است که هرگاه معیار بر اساس "تخصص" قرار گیرد لیبرالها دور از دستشان می‌ریزند. کلا حزب جمهوری اسلامی خواستار بازسازی و تحکیم روابط سرمایه داری وابسته از طریق تلفیق آشکار دین و سیاست است و فقط زمانی این شیوه هژمونی خود را در حاکمیت اعمال میکنند که "مکتبی" بودن بعنوان معیار قرار گیرد. به این علت است که حزب اینگونه بر "مکتب" و "مکتبی" بودن پای فشار داد. اما در سوی دیگر لیبرالها قرار دارند. این جناح با اتکاء به عناصر تکنوکرات و "در سخاوند" خود بر لزوم "تخصص" تا کید بسیار دارد. بنی صدر به نمایندگی از سوی لیبرالها در پاسخ حزبیبون می‌گوید، "این دوسه قرن وابستگی را از تخصص بدست آوردیم یا از نداشتن تخصص؟ اگر ما علم و فن داشتیم و خودمان می‌ساختیم حالا دیگر برای قطعه‌ی یکی هزار مصیبت نمی‌کشیدیم، اگر ما تخصص داشتیم چطور ممکن بود که ما درهای کشورمان را بروی خارجی‌ها باز کنیم ... (انقلاب اسلامی دوشنبه ۱۱ آبان) این سخن نیز بسیار مشخص است. بنی صدر به زبان بی‌زبانی می‌گوید: علت دو سه قرن وابستگی این کشور، علت اینکه امپریالیست‌ها توانستند در این مدت شیره جان و تمام دسترنج زحمتکشان میهن ما را به بیغما ببرند فقط این است که سلاطین وقت از جمله شاه جلاد به اندازه کافی تکنوکراتها و متخصصین را بخدمت نمی‌گرفتند! و در نتیجه راه حل نیز بسیار ساده است. باید با حفظ سیستم آنرا بدست متخصص‌ها بسپاریم تا به "خودکفایی و تولید ملی" دست یابیم و از شر امپریالیسم خلاص بشویم. می‌بینیم که لیبرالها نیز در اصل مسأله یعنی بقای روابط وابستگی و مناسبات سرمایه داری اختلاف نظری با حزب ندارند و فقط دعوا بر سر اینست که این عمل توسط "متخصصین" انجام شود. لیبرالها می‌خواهند به بهانه لزوم "تخصص" و در پوشش بکارگیری "افراد متخصص" روابط سرمایه داری وابسته را هر چه سریعتر بازسازی نمایند. آنها می‌خواهند بدین وسیله به بازگرداندن مستشاران و "متخصصین" خارجی بپردازند. آنها قصد دارند مدیران سرسپرده را در پوشش "متخصص" بسرکارها بازگردانند. لیبرالها میخواهند ارتش ضد خلقی را بهمان شیوه شاهنشاهی و توسط تیمسار رهبران و



## هسته‌های سرخ کارخانه

دوره ۱ از صفحه ۴

کارگران میانی و پائین. بهرحال منظور ما از نشریه کارخانه "مجلات" فوق نیست، بلکه داشتن یک ارگان مخصوص کارخانه است که عمدتاً از طریق تراکت، و اعلامیه حضور فعال وزنده خودرأسی نمایاند. ارگانی که مسائل خاص کارگران آن کارخانه را طرح کرده و بتواند آنرا با خطی که توسط ارگان مرکزی ارائه میشود پیوندزده و تا حد لازم، مسایل جامعه را بدرون کارخانه ها بکشد. ارگانی که کارگران را از تمام وقایعی که در کارخانه اتفاق می افتد، مطلع میسازد. ارگانی که آگاه کننده، رهنمود دهنده و در نهایت ارتقاء دهنده سازمان دهنده اعتراضات مشخص درون کارخانه میباشد. نشریه کارخانه باید در مبارزات روزمره کارگران شرکت داشته باشد. باید یادادان - اخبار و رهنمودهای زنده، بیشترین طیف کارگران را بطرف خود جذب کند، و باید آنچنان پیروهای را طی کند که کارگران آنرا حامی خود بدانند. این نشریه باید با نفوذ در مغز و قلب کارگران، خود را به یک محور، در کارخانه تبدیل کند. محوریکه در رأس آن هسته های مخفی کارخانه قرار دارند و طیف وسیعی از کارگران آنرا احاطه کرده اند. مضمون حرکت این نشریات در شرایط کنونی باید اینها باشند.

۱- افشای ماهیت حاکمیت وز دودن توهم کارگران نسبت به آن به وسیله حرکت از مسائل مشخص کارگران.

۲- جذب سیاسی نیروهای آزاد شده از قید توهمات بسوی خودمان، قبلی از آنیکه بطرف آلترناتیوهای دیگری کشیده شوند، یا دچار بی تفاوتی سیاسی گردند.

۳- افشای چهره اپورتونیسیم راست درون کارخانجات و آیزوله کردن بقیه در صفحه ۱۸

بفرمایید مسئولیت کارانتشارات و توزیع را در سطح واحد بعهده بگیرد. این رفیق علاوه بر حفاظت و اداره - هسته انتشاراتی، باید سیستم توزیع نشریات را چه از درون کارخانه و چه از بیرون آن هدایت نماید. رفقای توزیع کننده باید تجارب و گزارش پخش خود را در اسرع وقت در اختیار رفیق مشول قرار داده، تا پس از جمع بندی در اختیار واحدهای دیگر قرارگیرد. به این ترتیب میتوانیم جلوی ضربات زیادی را بر پیگرسا زمان (یا حزب) بگیریم.

همواره در کارخانه نیروهایی هستند که حاضرند نشریات ما را پخش کنند. اما در آن سطح کیفی نیستند که با آنها ارتباط گرفته شود. هسته های کارخانه موظفند این نیروها را پیدا کنند. طریق رساندن نشریات به این نیروها باید طوری باشد که رفقای کارگران شناخته نشوند.

\* لازم است از هم اکنون رفقای هر کارخانه درصدد تهیه آدرسهای خانه کارگران آن کارخانه باشند تا در صورت حاکم شدن جواختنقی، بتوانیم نشریاتمان را از طریق خانه کارگران بدست آنها برسانیم.

### درباره نشریه کارخانه

تجربیات این مدت نشان داده است که بدترین شکل ارائه نشریات دهن مجلات قطور ما هانه یا دو ماه یکبار، درون واحدهای کارگری است. این نشریات که در مضمون تبلیغ و ترویج، هریک سازی برای خود می نواختند، بخاطر کهنه بودن اخبار و وقایعی که در آن آورده میشود و همین جیم بودنشان، نه خلعت جذب کننده داشت و نه خواننده ای در بین

قیام، بهرحال اعلامیه پخش میشود این ما هستیم که با بررسی مشخص از اوضاع مشخص، باید شبوه صحیحی را که تلفات را به حداقل ممکن تقلیل دهد، دریابیم.

اما مسئله مهمتر، رساندن سریع نشریات به کارگران است. که این وظیفه عمدتاً از کارخانه های توزیع بیرونی می گذرد. این رفقا یا با پخش مستقیم در کنار در کارخانه (البته با در نظر گرفتن طرحهای دفاعی و راههای فرار) یا با ریختن نشریات در خانه کارگران کارخانه، میتوانند در اسرع وقت به وسیع ترین شکلی این کار را انجام دهند.

ولی باید تاکید شود که اگر کارگران، نشریات مربوط به خودشان (روزنامه کارخانه) را از درون کارخانه بگیرند، اگر بدانند نشریه بوسیله کسی در آنجا پخش میشود که ممکنست در قسمت خودشان مشغول بکار باشد، نسبت به آن واکنش مساعدتری نشان خواهند داد. ضمن اینکه همچنین باید در نظر داشت که در نهایت، این مضمون نوشته های ما است که جذب

کارگران به نشریه و بسیج آنها را تعیین می کند. اینکه بتوانیم از مسائل مشخص و ملموس آنان سخن بگوئیم، رهنمود علمی مشخصی در مبارزاتشان ارائه دهیم و تاکتیک هایشان را ارتقاء بخشیم.

کمیته کارخانه، در صورت گسترش کار تبلیغ و ترویج بهتر است یک هسته انتشاراتی در کنار خود ایجاد نماید. در صورت تراکم کار بهتر است رفقای توزیع کننده، با این هسته در ارتباط مستقیم قرار بگیرند. ضمناً یادآوری میشود که وظایف درونی هسته های توزیع و انتشارات تا حد زیادی به خصوص در ابعاد سیاسی - ایدئولوژیک همان وظیفه درونی هسته های سیاسی - مخفی است.

از رفقای کمیته کارخانه، یک

**تعطیل دوز و روز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و  
لازمه ارتقاء آگاهی آنان است**



# یک آرزوی زیبا

بقیه از صفحه ۱۲

مردی در اتوبوس میگفت "چه وضعیه هیچ چیز پیدا نمی شود مثل مرغ باید ساعت ۷ بخوابیم، ما جنگ می خواهیم چکار" و دیگری ادامه داد که تازه اگر دولت پیروز شود تازه خفتن به مراتب سخت تر می شود و کسی نمی تواند حرف بزند "میوه فروشی میگفت" تا گفتند بمباران، پولدارها فوری روی شیشه ها شون ضربدر و کاغذ نوز زدند ولی ما چی، خانه کا هگلی و آلونک که دیگر ضربدر نمی خواهد. و بالاخره راننده پیری میگفت "نمی دانم این جنگ چه منفعتی برایمان دارد که مرتب تبلیغ میکنند، لشکر حسین و یزید، اطلاق میدانی چرا اینکارها را میکنند برای اینکه خودشان دیگر نمیتوانند جواب مردم را بدهند، همین سروصداها را راه می اندازند تا مردم نفهمند چه می گذرد." اینگونه افراد در عین حال که نسبت به تبلیغات افشاگرانه در مورد جنگ و اخبار آن و همچنین ماهیت و عملکردهای حاکمیت تمایل بسیار نشان میدهند خود نیز عمدتاً در محیط زندگی و کار خود به شکل یک مبلغ عمل می نمایند، در رابطه با این افراد هر شکل از تبلیغات مترقیانه تأثیر مثبت خود را می نهد، در این مورد عمدتاً اعلامیه های توضیحی که ماهیت دولت های ایران و عراقی و همچنین سیاست سازمان نسبت به جنگ را شکافته باشد تا شایر بسیار مثبت دارد و باید بشکل وسیع مورد استفاده قرار گیرد. باید شناخت این افراد که عمدتاً حساس است به درک عمیق و مبتنی بر دلایل روشن و مشخص بدل گردد.

باز هم لازم به تذکر است که برخورد با افشار متوسط و پائین شهری در تهران صورت گرفته است بر طبق گزارشات موجود جو خاکم در شهرهای جنگ زده بشدت بر ضد حاکمیت است و توهمات توده ها در باره حاکمیت بسیار فروریخته است. در انتهای نکاتی چند را باید تذکر داد تا بخصوص رفقا در برخوردهای خود بدقت آنها را در نظر داشته باشند. بر اثر گذشت زمان و ادامه جنگ، جوش و نیت استی غالب که از سوی دولت و اپورتونیستها در این زده می شود فروکش نموده و بسرعت از زمین می رود. نشانه های عینی این مساله را در پی بی توجهی و عدم تحویل کمک های جنسی و نقدی به ماشینها و چادرهای بسیج، بی تفاوتی نسبی نسبت به آژیر قرمز و خاموشی - بی اعتمادی کامل نسبت به اخبار رادیو و تلویزیون و رشد نا رضایتی و آبراز آن

در اجتماعات توسط مردم دیده میشود - همچنین با دقت در برخوردها میتوان کم شدن این شیوه از برخورد بر اثر گذشت زمان از شروع جنگ را کا ملا دریافت. در عین حال میتوان مشاهده کرد که بسرعت توهمات توده ها نسبت به حاکمیت فرو می ریزد. اما در هر صورت وجه عمده ذهنیت توده ها را در مورد مساله جنگ ناسیونالیسم کور و دفاع از میهن - تشکیل میدهد. و در این رابطه لزوم حضور فعال و تبلیغات وسیع در حیطه نظرات و مواضع سازمان دیده می شود - زیرا بقا و رشد این گرایش به همراه جو ضد آخوندی که در میان توده ها در حال رشد است در صورت عدم برخورد فعال نیرو های مترقی زمینه بسیار مناسبی برای رشد لیبرالها و همچنین نیروهای وابسته به بورژوازی بزرگ می باشد ولی نکته بسیار مثبت اینست که توضیحات رفتا در باره ماهیت طبقاتی جنگ، علل و عوارض آن و صدمات آن به زحمت کشان کاملاً و در وجه غالب پذیرفته می شود و این خود کمک موثری برای هر چه وسیعتر نمودن تبلیغات و افزایش برود آن می باشد.

در بسیاری موارد حرکات اعتراضی و متاومت در مقابل فشارهای حاکمیت و نیروهای سرکوبگر آن دیده شده است مثلاً در پمپ بنزین ها، در مقابل اجاف رشوه گیری یا پارتنی بازی در مقابل تعرض یا ستاداران به مردم و یا در مقابل یورش نیروهای انتظامی به نیروهای انقلابی - این حرکات در شهرهایی که تعرض به مهاجران جنگ انجام میگیرد بصورت شدیدتری می باشد. در اینگونه موارد رفقای هوادار موظفند با شرکت در اینگونه حرکات اعتراضی و سعی در دادن جهت و سوی مشخص به آنان بیشترین استفاده را در جهت افشای سیاستهای حاکمیت و ماهیت ارتجاعی جنگ، بنمایند.

رفقا! موقعیت جنگی به رشد تضاد های طبقاتی سرعت بخشیده است و در این رابطه وظایف ما و تمام می نیروهای مترقی بس سنگین و حیاتی است. عدم حضور فعال ما در میان توده ها - عدم وجود تبلیغات کافی پیرامون ماهیت ارتجاعی جنگ، و روشن نکردن ماهیت واقعی حاکمیت و همچنین عدم توضیح علل تضاد لیبرالها با حزب و ماهیت "آزادخواهی" کذابی آنان - روشن نکردن موضع ضد خلقی بختیارها، پالیزبانها، اویسی ها و سایر دستجات ارتجاعی همه و همه زمینه را برای رشد هر چه بیشتر این جریان ضد خلقی و یادادن زدن به توهمات توده ها و به انحراف کشیده شدن مبارزات آنان آماده می سازد. باید تمام می رفقای هوادار سازمان با تمامی توان خود مواضع سازمان را به میان توده ها برده و بهر وسیله و بهر طریق ممکن و در هر کجا باید به افشای ماهیت ارتجاعی جنگ و مصائب حاصل از آن پردازند.

## رفقا، دوستان، هواداران!

بسیاری از رفقا با فرستادن گزارش خبر و عکس های مختلف برای "کار" نه تنها با ایجاد یک ارتباط ارگانیک بین نیروهای فعال سیاسی جامعه کمک میکنند بلکه "کار" را نیز تغذیه کرده و به غنای آن کمک میسازند. ما ضمن تاکید بسیار بر اینکار، از همه رفقا می خواهیم که در این زمینه فعال هستند میخواهیم که نکات چندی را رعایت کنند تا کارشان مفید تر و قابل استفاده تر باشد و از جمله:

عکسهای رنگی به هیچوجه برای ما قابل استفاده نیست. عکسهای رنگی در چاپ سیاه و سفید، تا رنگ و تیره میشود، عکسها می باشد برای ما میفرستید حتماً سیاه و سفید باشد، عکسها با بد روشن و واضح بوده و شرح و توضیح مربوطه حتماً پشتش نوشته شده باشد.

اخبار و گزارشات باید موثق، کامل و خالص باشد و نباید باشد، دقت کنید اخبار و گزارشات که میفرستید حتماً شامل زمان، مکان، چگونگی و شرح واقعه، دلیل بروز آن، عوامل و عناصر موثر در آن و نتایج بسیار آمده باشد، مثلاً اگر گزارش از یک حرکت دهقانها یا کارگری است حتماً باید نتیجه آن نیز ذکر شود. توضیح آخرا اینکه حتماً در مورد خبر و گزارش که میفرستید شایعه بودن یا موثق بودن آنرا نیز ذکر کنید، موثق باشد.

## دولت جمهوری اسلامی...

بقیه از صفحه ۲

دهند، و همراه با شرکای خود یعنی انحصارات امپریالیستی سپین ما را همچنان در بند وابستگی و استارت نگهدارند.

دولت جمهوری اسلامی امروز و قاحت را تا به نجا رسانده است که حتی سرمایه های آن سرمایه دارانی که زیر فشار توده های کارگر، معارضه شده بود، با آنها باز می گرداند، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی نیز طی حکمی دستور میدهد که کلیه اموال منقول و غیر منقول حاج جواد برق لایع و ارفاقی چون نزدیکان درجه یک وی با و بستاناز گردانده شود. و این تنها یک نمونه از استکامی است که دادگاه های انقلاب با بنفع سرمایه داران صادر می کنند. آیا برای طبقه کارگر سپین ما بویسیژه کارگران تبریز که بخوبی سرمایه دار معروف حاج جواد برق لایع را می شناسند، کمترین تردیدی باقی میماند که رژیم جمهوری اسلامی نیز از منافع سرمایه داران دفاع می کند و حامی آنهاست؟

# سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

**هسته های سرخ کارخانه . . .**

بقیاض صفحه ۱۶  
آنها از جنبش کارگری - کمونیستی لازم است اضافه کنیم. در واحد هایی که تولیدیکسان دارند و بیا تحت یک مدیریت واحد با قوانین واحدی عمل می کنند (مانند نفت، برق و . . . . .) بهتر است علاوه بر حضور فعال از طریق اعلامیه و تراکت

در هر کارخانه، نشریاتی بصورت مثلا "ماهانه"، برای تمام این واحدها منتشر کنیم. این نشریات باید مبارزات کارگران در کارخانه های مختلف امین واحدا را به یکدیگر پیوند دهند، باید تجارت مبارزاتی در یک کارخانه را به تمام آن واحدها منتقل نماید، باید با طرح خواستها و مسایل مشترک آنان و ارائه رهنمود برای احقاق حقوق آنها، بمثابه عامل وحدت دهنده ای بین

آنها عمل نماید. نشریات کارخانه باید زیر نظر کمیته کارخانه که مسئول سازمانی (یا حزبی) در آن فعالیت دارد، انجام وظیفه کند. در صورت کثرت موارد - تبلیغ و ترویج در کارخانه و بیا وسعت واحدهای کارگری، باید کارهای ویژه این کار را اختصاص یابند.

**با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!**

همانطور که اطلاع دارید، پس از انشعاب، کمیته مرکزی "از تحویل هر گونه امکانات به سازمان خودداری کرد. با توجه به اینکه گسترش فعالیت های هر سازمان انقلابی به کمک های هواداران و طرفداران آن سازمان بستگی دارد از کلیه رفقا، دوستان و هواداران میخواهیم که ما را از امکانات خود با خبر کنند و بیا لایحه کمکهای مالی خود را از راههای مطمئنی که میشناسند برای ما بفرستند.

رفقای سروان ۴۵۰۰۰ ریال ع - ۱۴۰۰ ۱۰۰۰ ریال	رفقای سمنان م - ش ۱۴۵۱ د - ن ۱۷۵۰ پ - م ۱۸۵۳ ه - س ۱۶۲۵ ر - ن ۶۴۴ د - د ۱۷۷۷ ک - د ۱۵۱۶ م - آ ۹۵۲ ع - ر ۶۵۸	رفقای کرج ۱۱۱۲۱ امانت شما رسید رفیق ز - م رفیق کارگراف رفیق رحیم - رشت	بدون حرف اول و نام ۱۹۰۰ ۷۰۰ ۱۰۰۰ ۲۰۳۹	بدون کد حرف اول ۵۰۰ ریال ۵۰۰۰	رفقای آمل دبیرستان جدید التاسیس ۴۰۰۰ ریال پروین ۵۰۰۰ ک - ۱۱۰۰ ۳۲۲۲ ۲۱۱۱	کشاورز قیام آباد ۴۰۰ ریال	رفقای یانبل ۱۵۰۰۰ ریال م - ۱۵۲۲ س - ۱۵۴۹	رفقای یرشت د ۳۰۵۵ ع - ک ۲۱۲۱ حمید دانش آموز ۱۰۰۰ ریال	رفقای صفهان الف ۱۰۰۰ ریال ب ۲۲۰۰ " ۵۰۰۰ ف ۱۰۰۰۰ م ۱۵۰۰۰ ی ۵۱۱۱	رفقای سیستان و بلوچستان ز - ص ۴۰۰ ریال ز - دانش آموز " ۳۵۰ کارگر " ۳۰۰۰ خ - ۱۲۵ - ۵۸۰۰ م ۱۰۰۰۰	رفقای کرج ۱۱۱۲۱ امانت شما رسید رفیق ز - م رفیق کارگراف رفیق رحیم - رشت دانش آموزان پیشگام دبیرستان شهید مطهری ۳۵۰ ریال دبیرستان دکتر محمود شیمی ۱۰۰۰ ریال ف - ۷۸ - ۹۰۰۰ ریال دبیرستان باختر ۲۸۰۰ ریال دبیرستان مهستی ۵۰۰ ریال خوارزمی تجریش ۱۵۵۰ ریال دبیرستان نوشیروان ۴۷۱۵ پیشگام پیام ۳۴۰۰ ریال رفقا رقیه ۷۱۸ مریم ۳۰۰۰ ریال زهرا ۲۰۰۰ پ مادر ۱۰۰۰ لستانی ۲۲۰۰۰ ت اجتماعی وب ۵۲۲۲ مرگان ۳۰۰۰ ز - م ۵۹۸۷ الف - ر - خ پیروزی ۱۵۰۰ ریال هواداران سازمان در خاوران ۲۰۰۰ رفقای جوشکار ۱۸۰۰	رفقای قزوین ف ۶۰۰۱ ی ۴۰۰۲ ر ۵۰۰۳ و ۷۰۰۴ ز ۳۰۰۵ ه ۵۰۰۶	رفقای شهرضا ۱۰۵۱۰ پ یزد ۱۰۰۰ ریال رفیق کارگزار آصفهان ۲۰۲۱ رفیق ر - از تبریز ۱۱۰۴۰ رفقای آلمان برلین م ۲۰۰۰ م ۲۳۶۷ م ۱۳۰ هامبورگ س - ح ۹۵۰ ف - ک ۹۴۹ م ۱۵۰ رفقای استکهلم ۱ - استکهلم ۱۰۰	م ۵۱۲۱ ع ۳۵۵۵ ۱۰۰۰ ۵۹۱ ۲۱۲۵ ۶۲۱ ن ۱۱۹۲ ه ۴۲۰۰ ۵۱۰۰ ۵۱۰۰ ۱۱۱۱ ک ۱۰۲۰۰ ۶۲۳ ۷۰۲	ص ۶۰۰۲ ع ۱۲۲۵ ۱۳۸۸ ۲۰۲ ۷۵۰ ۱۰۱۰ غ ۵۷۸۲ ژ ۳۲۲۲ س ۲۴۴۴ ق ۱۱۰۰ ۳۷۴۴ ش ۱۱۱۱ ک ۱۰۲۰۰ ۶۲۳ ۷۰۲	د ۱۳۰۲ ر ۲۱۱۱ ۱۶۵۰ ۲۰۲ ۳۵۷۳ ۵۷۸۲ ۲۲۲۲ ۹۱۹ ۵۰۱ ۲۲۲۲ ۱۵۰۰ ۸۱۲	پ ۱۱۳۳ ۶۲۳ ۵۷۹ ۳۰۱ ۲۵۰ ۱۱۲۴ ۱۷۲۲ ۹۱۹ ۵۰۱ ۲۲۲۲ ۱۵۰۰ ۸۱۲	الف ۲۰۱۰ ت ۸۳۵۰ ۲۸۵۲ ۵۰۳۴ ز ۱۷۵۶ ب ۲۲۴۰ ۲۱۰۱ ۶۷۷۵ ۳۱۱۷ ۱۰۰۰ ۲۳۷۴ ۱۰۰۸ ۴۴۰
--	--	---	---	-------------------------------------	---	------------------------------	---	---	--	--	--	---	---	---	---	--	---	---

**در تگتیر و توزیع آثار سازمان بکوشید**

**زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند**



# "دمکراسی" اسب طلائی لیبرالیسم!

بقیه از صفحه ۲

خدا مپریالیستی - دمکراتیک خلقهای میهنمان را تهدید میکند، برای مقابله با این خطر بزرگ، خط مشی صحیح و اصولی و مبتنی بر ما رکیسیم - لنینیسم انقلابی بما حکم میکند که با هرگونه تزلزل و انفعال در زمینه دفاع از آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده ها، بطور جدی مبارزه کنیم. زیرا کسب آزادی و دمکراسی یکی از مضمونهای اصلی انقلاب بوده است که بطور عینی و مستقل از راه پیشرو، از زندگی و مبارزه توده های خلق سرچشمه میگیرد. بی توجهی بآن فعالیت و توطئه لیبرالها را خنثی نمیکند بلکه بیش از پیش راه را برای پیشروی آنها هموار میکند.

ثانیا: کمونیست ها با بدمنظور گسترش پیوندهای خود با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان میهنمان و با به گذاری حزب طبقه کارگر، بیش از پیش، در مقابل سیاستهای سرکوبگرانه هیئت حاکمه و تشدید جواختناق، مقاومت کرده و پیشقدم مبارزه برای دمکراسی گردند.

رهنمود سازمان به کلیه هواداران در سراسر کشور آنستکه رفقا خط و مشی سازمان را در این زمینه پیگیرانسه دنبال نموده و با شرکت فعال در مبارزات توده ای، بکوشند لیبرالیسم را با تمام توان افشا و از صفوف توده ها طرد نموده و بدینوسیله پیوند خویش را با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان میهن گسترش بخشد.



پیگیرترین و سرسخت ترین نیروی دمکرات یعنی بشیوه کمونیستهای انقلابی، شیوه ای که حزب توده و "کمیته مرکزی" در مبارزه علیه لیبرالیسم (البته این دو جریان، بنی صدور و شرکایش را جزو لیبرالها بحساب نمی آورند) بلکه از آنها بعنوان نمایندگان با صطلح دمکراسی ملی یاد میکنند) تبلیغ و توهینه میکنند، شیوه ای است که نیروهای انقلابی را یکجا بدامن حزب جمهوری اسلامی میندازد. بعبارت دیگر سیاستهای آنان در این زمینه سیاست نفی خواست های دمکراتیک توده ها است.

آنها با لب فرو بستن در مقابل بسیاری از اقدامات ضد دمکراتیک حزب جمهوری اسلامی عملا با غوش این جناح زهیست حاکمه در غلطیده و هرگونه تلاش و مبارزه و سازماندهی را در جهت مطالبات دمکراتیک توده ها، بی شرمانه هما وائی با مپریالیسم و لیبرالها میدانند. کمونیست ها بویژه در لحظه تاریخی کنونی، هیچگاه نباید مبارزه برای تحقق دمکراسی را فراموش کرده و یا حتی آنرا به وظیفه درجه دوم در مجموعه فعالیت سیاسی خود تبدیل کنند. زیرا اولاً: لیبرالهای درون - حاکمیت "از یکسو و دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی ترین معافل سرسپرده و مزدور آنان از سوی دیگر، در این زمینه بسیار یکدیگر همصدا شده و با اشاعه توهیمات دمکراتیک سعی میکنند توده ها را بسوی خود جلب نموده و در تحولات سیاسی آینده نقطه اتکائی برای خود فراهم کنند. و این خطر بزرگی است که تمام جنبش

از سر میگذرانند، یکی از ویژگی های این مقطع آن است که لیبرالها بعزت کاهش نقششان در دستگا، دولت و برای کسب وجهه سیاسی در میان توده های پرجم "آزادی" و "دمکراسی" را بدست گرفته اند، آنها با تمام امکانات و با استفاده از تمام وسایل ممکن و با شکل گوناگون به تبلیغ و ترویج دمکراسی دروغین و فریبکارانه سرمایه داران پرداخته و تلاش میکنند تا مبارزه توده ها را در چارچوب منافع و اهداف خود که چیزی جز کسب امتیازات بیشتر و قدرت برتر در دستگا دولتی نیست، محدود سازند، آنها سعی میکنند با طرح مسائلی نظیر "ضرورت رعایت قانون اساسی و معیارهای دمکراسی تخصصی"، "ضرورت بحث آزاد سیاسی و حفظ حقوق فردی و اجتماعی"، "ضرورت پیروزی در جنگ" و... پشتیبانی توده ها را نسبت بخود جلب نموده و در کوتاه مدت فشار از پائین را بر روی حزب جمهوری اسلامی اعمال کرده و در دراز مدت از این پشتیبانی وسیله مطمئنی برای اعمال حاکمیت خود فراهم کنند. این خطر با لفعلی چیزی است که نه کمونیست ها و نه دمکراتهای انقلابی نباید لحظه ای از آن غفلت کنند. کمونیست ها باید مسئولانه و بطور جدی علیه این خطر به مبارزه برخاسته و "دمکراسی" لیبرالی را افشا نموده و محتوای طبقاتی آنرا در برابر توده ها برملا سازند. اما نه بشیوه های مصلحت گرایانه و فرصت طلبانه ای که حضرات "کمیته مرکزی" و حزب توده در پیش گرفته اند، بلکه بشیوه پیشروترین،

## رهبران جمهوری اسلامی به شکنجه انقلابیون و آزادی کودکان چیان مزدور اعتراف می کنند

بقیه از صفحه ۱

بوده اند، بخوبی آگاهند که در بسیاری موارد، بویژه زمانی که هنوز رژیم مزدور شاه به سیم آخرین زده بود، وقتی زندانیان سیاسی پس از شکنجه های بسیار در کمیته و اوین بزدانان قصر فرستاده میشدند، پس از مدتی مسئولین زندان میگفتند: "کسی که در این زندان شما را شکنجه نکرده است؟ هیچکس حق ندارد کمترین بسد رفتاری را با شما داشته باشد" مادر حقیقت جلادان شکنجه های خود را در کمیته و ساواک داده بودند. امروز هم دوباره همین بازیها تکرار میشود. رفقای که امروزه بخاطر پخش اعلامیه و "کار ویا در بحثهای خیابانی دستگیر میشوند، در کمیته های جمهوری اسلامی مورد شکنجه و بدترین رفتارها قرار میگیرند و حتی در بازجویی ها نیز شبیه بازجویی های ساواک، یک بازجو در نقش یک جلاد تمام عیار ظاهر میشود و شکنجه میدهد، دیگری با چهره ای برادرانه و مهربان! سخن میگوید. حتی اکیب های گشتی جمهوری اسلامی نیز مانند سازماندهی ساواک عمل میکنند و این روزها بسیار فعال شده و در ماشین های لوکس خود چند نفری در خیابان ها، نیروهای

بعدی، مساله شکنجه هست که آقای بنی صدر مطرح کرده اند و البته جای تا سقف هست که در این موقع که ما نیاز به تفاهم داریم، این مساله مطرح میشود، اگر مقصود از شکنجه تنبیه ها ئی است که اسلام بعنوان حدود و تعذیرات مطرح میکنند مثلاً سلام میگوید کسی که زنا میکند و عرق میخورد یا یدشلاق بخورد، اسلام گفته، کسی که زنا و گناه انجام دهد، باید تنبیه شود و صریحاً هم میگوئیم که اگر مقصود از شکنجه بمعنی رسمی اش هست که در ساواک وجود داشت و در دنیا مطرح هست، خوب بود آقای بنی صدر ایسین گزارش را که با ایشان داده اند، بیایند تحقیق کنند و نما بنده ای بفرستند در زندانها و ببینند و اگر شکنجه ای مشاهده کردند بما هم بگویند تا ما هم بدانیم و اگر ملاحظه کردند که ما با این گزارش ترتیب اثر نمیدهیم، آنوقت هراقدامی که لازم هست انجام دهند".

حتما انقلابیونی که در دوران رژیم مزدور شاه در زندان بوده اند و توده های که بنحوی در جریان شکنجه های حیوانی ساواک قرار گرفته اند، بیاد دارند که رژیم شاه نیز تا آخرین لحظات منکر وجود هرگونه شکنجه ای میشد و همچنین کسانی که در رژیم گذشته زندانی سیاسی

و منزوی کند، در سخنرانی خود بمناسبت روز عاشورا، بمساله اعمال شکنجه و توسل بشیوه های ساواک در جمهوری اسلامی اشاره کرد. البته این مساله تا زگی نداشت و برای اولین بار نیز مطرح نشده بود بلکه نیروهای انقلابی از جمله سازمان ما تا کنون مکرر در این زمینه دست با فشاگری زده و توده های زحمتکش را در جریان برقراری مجدد شکنجه در جمهوری اسلامی گذاشته اند. اما این مساله بدین لحاظ دارای اهمیت بود که مردم از زبان رئیس جمهور میشنیدند که بوجود شکنجه در جمهوری اسلامی اعتراف میکرد.

چند روز بعد حجت الاسلامی شهری قاضی شرح دادگاههای انقلاب ارتش، ضمن مصاحبه ای که متن آن در روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۳ آذر پ رسیده، در مقام تکذیب سخنان بنی صدر برآمد و اقدامات ضد خلقی بنی صدر را در زمینه آزاد کردن پنجاه و یک کودتاچی از زندان اهو از افشا کرد. حجت الاسلامی - شهری در این مصاحبه ضمن ابراز تا سف از اینکه رئیس جمهور در این شرایط حساس بوجود شکنجه اعتراف کرده است و او هم در عوض مجبور شده است دست بنی صدر را رو کند، میگوید: "مساله

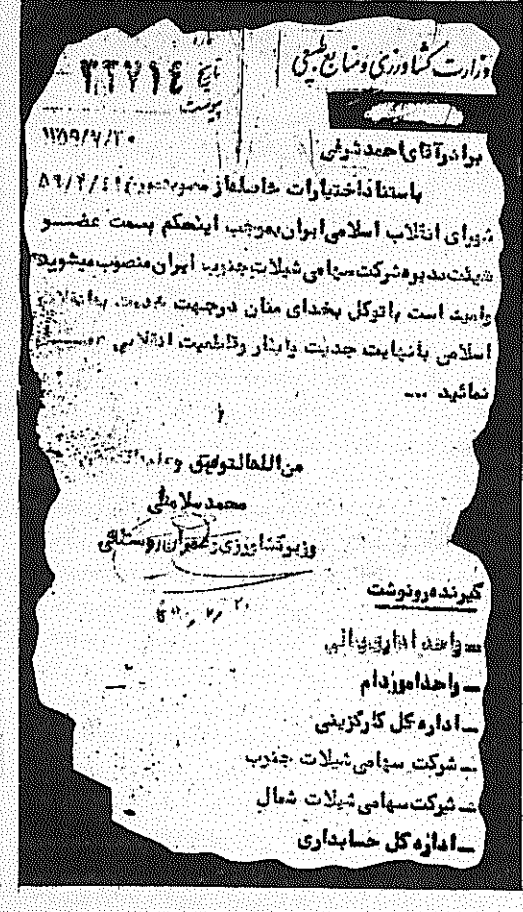
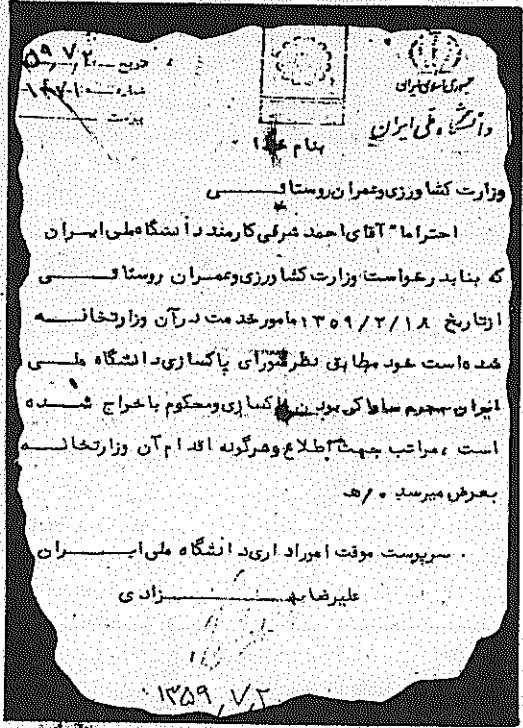


# ● چگونه ساواکی ها و ایادی وابسته به رژیم سابق عضو هیئت های پاکسازی می شوند!

رحمتکشان مبین ما تصور می کردند  
هبا سرنگونی رژیم مزدور شاه، عدالت  
عنايتکاران ساواک و سرسیردگان و  
مداجان رژیم به جزای اعمال ننگین  
شان خواهند رسید و شرآنها از سر توده ها  
کم خواهند شد، اما سرور در می با بند که  
بجز چند نفری از سفورترین و...  
ترین آنها که زیر فشار توده ها با مجازات  
خود رسیدند، انبوهی از آنها با نجباء  
مختلف دوباره شغول بکار شده اند،  
پستهای حساس گرفته اند و وظیفه  
عنايتکارانه خود را علیه توده های  
رحمتکش و نیروهای مترقی با شوه های  
دیگر ادامه می دهند، ما در زیرب و نمونه  
آن اشاره می کنیم، که اعضای هیئت های  
پاکسازی که در ظاهر بقصد پاکسازی  
ساواکیها و عناصرو وابسته به رژیم سابق  
تشکیل شده است، در واقع امر خودشان  
ساواکی و وابسته به رژیم بوده اند و  
امروز دست باخراچ و تصفیه نیروهای  
انقلابی میزنند، خودشان ساواکی  
هستند، یک نمونه آن مربوط به شخصی  
بنام احمد شرفی، کارمند سابق  
دانشگاه ملی است بجرم ساواکی بودن  
اخراچ شد، اما او سران هیئت پاکسازی  
وزارت کثا و رزی در می آورد و همچنین  
بنابندستور وزیر کثا و رزی، عضو هیئت  
مدیره شيلات جنوب می بود.

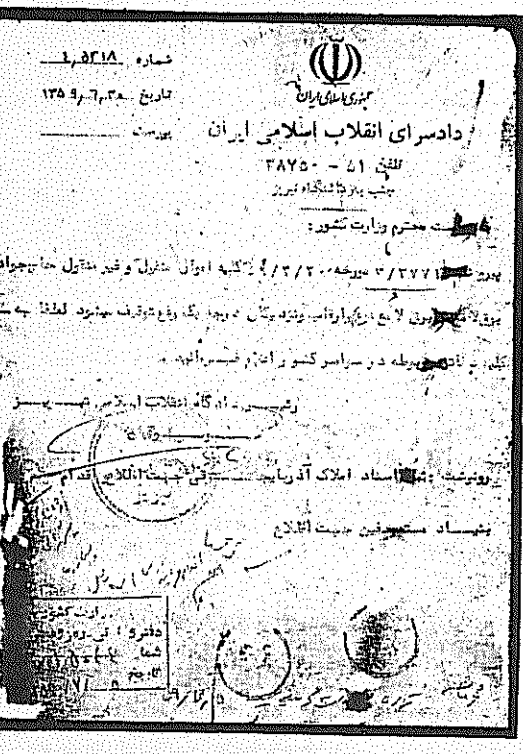
نمونه دیگر آن فردی بنام محمد  
شیرنگ مریدانی است که از خود فروختگان  
معروفی است که کتابهای درمدمج و  
شای آریا مبری نوشته است و فرهنگیان  
و دانش آموزان رودبار خوبی ماهیت  
پلید این فرد را می شناسند، او نیز  
بعنوان عضو هیئت پاکسازی دست به اخراچ  
و تصفیه معلمین آگاه و انقلابی می زند.  
این موارد نمونه های استثنائی  
نیستند، هموطنان رحمتکش ما در هر کجا  
که هستند خود بعینه نمونه هایی از این  
قبیل را شاهند.

وقتی که بسیاری از عناصرو وابسته  
به رژیم سابق و امیرالایسم در مقامهای  
حساس دولتی قرار داشته باشند، وقتی  
که دولت نه از توده ها و منافع آنها  
بلکه از سرمایه داران و همه شروتعمندان  
دفاع کند، طبیعی است که ناموران  
ساواک و شناگویان و مداحان و  
وابستگان به رژیم سرنگون شده نیز  
عضو هیئت های پاکسازی خواهند بود تا  
بعوض تصفیه ساواکیها و عناصرو وابسته  
بر رژیم سابق نیروهای انقلابی را  
تصفیه کنند، بنابراین نشان دادن  
نمونه هایی از این گونه و یا معرفی  
این افراد از آن جهت اهمیت دارد که  
توده های رحمتکش مبین ما بخوبی  
نظام حاکم و دولت جمهوری اسلامی  
را بشناسند.



# دولت جمهوری اسلامی سرمایه های دولتی شده را به سرمایه داران بازمی گرداند!

سندی را که ملاحظه می کنید مربوط به  
یکی از سرمایه داران معروف بنام  
حاج جواد برق لامع است که سالینان  
در از در حکومت منفور شاه به استعمار  
و غارت توده های رحمتکش مبین ما  
مشغول بود و از طریق استعمار توده  
های کارگزار و کلاسی بدست آورده  
بود. پس از قیام بیستم ماه توده ها که  
بدرستی دریافته بودند، بدون کوتاه  
شدن دست سرمایه داران از اقتصاد  
کشور، و برافتندن نظام سرمایه داری -  
وابسته هیچگونه تغییری در وضعیت  
زندگی آنها پدید نخواهد آمد، بنابراین  
انقلابی خواستار رخلع یداز سرمایه  
داران وابسته و اداره و کنتراول  
کارخانه ها توسط شورا های کارگری  
بودند. اما دولت جمهوری اسلامی که  
اساسا از منافع سرمایه داران دفاع  
می کند، به حیلله های مختلف متوسل شد،  
تا نظام سرمایه داری وابسته را از زیر  
ضربات خردکننده توده ها نجات دهد  
تا دوباره سرمایه داران نتوانند همانند  
گذشته به استعمار کارگران ادامه  
بدهند.  
بقیه در صفحه ۱۷



# نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی